

سرمقاله

قال علی علیه السلام: «كَيْفِيَّةُ الْفِعْلِ تَدُلُّ عَلَى كَمِّيَّةِ الْعَقْلِ» (غرر و درر ص ۵۲۷) امام علی علیه السلام فرمودند: چگونگی رفتار بر میزان عقلانیت دلالت دارد. همه می دانیم که هر امتیاز نیکویی که آدمی را از سایر موجودات متمایز می کند، ریشه در عقلانیت دارد. حال اگر مجموعه ای از امتیازات در موجودی جمع بود، به این معنا نیست که همه ی امتیازات و محسنات به طور یک جا در آن پدیده وجود دارد. به عبارت دیگر، برای بشر صاحب تعقل، جامعیت از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. علت برگزیدن نام جامع برای این نشریه این نبوده است که ادعا کنیم این مجموعه بالفعل از مزیت بی بدیل جامعیت برخوردار است، بلکه دست اندکاران این نشریه با انتخاب این نام، سعی دارند خود را به ایده ی جامعیت نزدیک کنند. به سخن دیگر، هدف هیئت تحریریه این است که با تلاش مجدانه ایده ی جامعیت را از قوه به فعل درآورند و مجله ای در خور شأن مسجد جامع با ویژگی های جامعیت تولید کنند.

امید است بتوانیم با تلاش هرچه بیشتر به ایده ی جامعیت دست پیدا کنیم و آن را در تمامی شئون زندگی به کار بریم. تا دستیابی به این هدف، نگاه کریمانه ی شما خوانندگان گرامی را طلب می کنیم و از قصورهای احتمالی این شماره و شماره های پیشین عذر می خواهیم.

والسلام علیکم ورحمة الله
مدیرمسئول فصلنامه
محمدپیکری

فصلنامه داخلی جامع

صاحب امتیاز: امام جماعت مسجد جامع شهرک غرب و مسئول مدرسه علمیه الامام علی بن ابیطالب (علیه السلام) آیت الله سید فتح هاشمی تبریزی

مدیرمسئول: حجت الاسلام والمسلمین محمد پیکری

سردبیر: دکتر نسیم حکیمی ها

هیأت تحریریه:

دبیر سرویس معارف: علی بیژن ایرانی (کارشناس الهیات)

دبیر سرویس علم و فناوری: سعید حاتمی خواه (دانشجوی کارشناسی ارشد نانو فناوری)

دبیر سرویس فرهنگی اجتماعی: فرهادرجبی (دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق)

مدیر هنری: احمد علیزاده

مدیرفنی و صفحه آرایی: رویا مالکی (کارشناس روانشناسی)

همکاران این نشریه: زهرا شریف کاظمی، نرگس طاهری، زینت ناطق پور، مریم اسدی، سعیده حق گو، علی اصغر حکیمی ها، ابوالقاسم مصیبی، حجت الاسلام والمسلمین علیرضا لو، حجت الاسلام والمسلمین هادی احمدی، حجت الاسلام والمسلمین مهدی کرمی

مجوز رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به شماره: ۹۱/۴۶۱۶۴

نشانی: تهران، شهرک غرب، میدان صنعت، مسجد جامع شهرک

وبسایت: www.masjedjame.com

پست الکترونیک: info@masjedjame.com

فهرست

- ۲..... طلوع خورشید بی مثال
- ۳..... معرفی مسجد جامع
- ۴..... مسجد و مسجدیان
- ۶..... عبد صالح علیه السلام
- ۷..... حضرت عبدالعظیم حسنی
- ۸..... با شهیدان
- ۹..... نهج البلاغه
- ۱۰..... قرآن شناسی
- ۱۲..... معرفت دینی
- ۱۳..... مشاهیر و مفاخر
- ۱۴..... ملا محمد محسن فیض کاشانی
- ۱۴..... غزل شماره ۴۴
- ۱۵..... حدیث نبوی
- ۱۶..... دانستنیهای علم حقوق
- ۱۷..... اصطلاحات حقوقی
- ۱۸..... معرفی کتاب
- ۱۹..... حکایت هنبوی و ضحاک
- ۲۰..... مرگ تولدی دیگر یا پایان زندگی!!
- ۲۲..... شکاف نسل ها
- ۲۴..... طرز تهیه شکلات زندگی
- ۲۶..... سانترفیوژ چیست؟
- ۲۶..... شبه نیرو چیست؟
- ۲۷..... معرفی نرم افزار
- ۲۸..... مهمترین دستاوردهای علمی در سال ۲۰۱۳
- ۳۰..... رفلکس در بزرگسالان و کودکان
- ۳۱..... خواص انار
- ۳۲..... طرز تهیه سوسیس و کالباس خانگی
- ۳۴..... عوارض مصرف سوسیس و کالباس صنعتی
- ۳۵..... جدول
- ۳۶..... ویژه نامه
- ۴۰..... ارتباط با ما



طلوع خورشید بی مثال

بیانات امام محترم مسجد،

حضرت آیت الله هاشمی تبریزی ادام الله ظلله الشریف
به مناسبت ولادت رسول الله صل الله علیه وآله وسلم :

صبح ۱۷ ربیع الاول در سال ۵۲ قبل از هجرت (۵۷۰ میلادی)، سواری وارد قصر انوشیروان شد و سراسیمه خبر داد که آتشکده فارس "آذرگشنسب" پس از هزار سال شعله وری خاموش شد. هم زمان سه کنگره از ایوان مدائن فرو ریخت و دریاچه ی ساوه خشک شد. این سال، همان عام الفیل است. همان سالی است که ابرهه، سردار حبشی برای ویران کردن خانه ی خدا؛ "کعبه"، به حجاز، لشکر کشیده بود. همان ماجرای که جد پیامبر اکرم(ص)؛ جناب عبدالمطلب، در آن درخشید؛ هنگامیکه مقابل ابرهه ایستاد و گفت: "أَنَا رَبُّ الْإِيلِیِّ وَ لِیَبِیْتُ رَبُّ سَیْمَنَةَ" (من مالک شتران خودهستم و این خانه هم مالکی دارد که آنرا حفظ خواهد کرد).

اگر کسی با دقت، به تاریخ ۱۴۰۰ سال قبل بنگرد؛ ملاحظه خواهد کرد که آن روزگار از جهات بسیاری، به خصوص در شبه جزیره عربستان، با جهان فعلی متفاوت بوده است! دانش و معرفت انسان بسیار کم و افق فکرها بسیار کوتاه و اندیشه ها غرق در اوهام بود. خرافات و افکار وحشیانه، تاریکی و جهل، سراسر مردمان را فرا گرفته و هیچ وسیله ی ارتباط جمعی و انتقال فکر بین آنها وجود نداشت، مگر معدود رساله ها و کتابچه های دست نوشته ای که حاکی از معلومات بسیار مختصر و بسیار ساده ای بود که از نسلی به نسل دیگر منتقل می شد. تحصیل دانش و سواد، امری تشریفاتی محسوب می شد و سرمایه مردمان، از معلومات و معارف، بسیار ناچیز بود. خلاصه کلام اینکه حتی معلومات یک دانشمند در آن زمان از جهات مختلف، کمتر از یک انسان بسیار معمولی در این روزگار بود. تهذیب و تربیت مُهذَّب ترین افراد آن روزگار، از مردمان عادی فعلی، به مراتب کمتر بود. کار مداوم آن ها، جنگ و ستیز وجدال یا یکدیگر بود. آنچه هایی که امروز افسانه و خرافات شناخته می شود، آن روزگار به غلط به عنوان حقیقت پنداشته می شد و آنچه که امروز زشت و وحشیانه می انگاریم آن روزها جزو امتیازات، محسوب می شد. در

شبه جزیره عربستان که مرکز جهل و تاریکی بود، نه مدرسه ای وجود داشت و نه کتابخانه ای، مردم آنجا در حال انزوا و اعتزال می زیستند، البته تعدادی بازرگان داشتند که با طی مسافت های بسیار زیاد، در چند ماه، خود را به کشورهای دیگر می رساندند، و آن قدر استعداد هم نداشتند که از کشورهای دیگر علم و معرفتی، کسب کنند. افراد معینی سواد مختصری داشتند که بسیار ناچیز بود و سطح فرهنگ و تمدنشان بسیار نازل و افکارشان آلوده به خرافات و اوهام و عادات آنها و رسم های متداول آنها وحشیانه و اخلاق آنها پست و منحط بود. قبایل گوناگون عرب همیشه با خنجرهای کشیده در برابر یکدیگر صف آرایی می کردند. یک حادثه بسیار کوچک کافی بود تا جنگی بزرگ به وجود آید که سال ها طول کشد. غرق در فحشا و قمار و تهمت و غارت و قتل و سرقت یکدیگر بودند و حتی زنانشان برهنه دور کعبه طواف می کردند. داشتن دختر را ننگ خانواده می دانستند و آنها را زنده در گور دفن می کردند. در چنان عصر و زمانی و در چنان کشور دورافتاده ای، از مادری به نام آمنه، کودکی متولد شد. ندایی آسمانی به گوش آن مادر رسید: ما به پسر تو، خُلُق آدم، معرفت شعیب، شجاعت نوح، خصلت ابراهیم، زبان اسماعیل، رضای اسحاق، فصاحت صالح، حکمت نوح، مژدگانی یعقوب، تحمل موسی، طاعت یونس، صبر ایوب، جهاد یوشع، صدای داوود، حبّ دانیال، وقار الیاس، عظمت یحیی، زهد عیسی عطا کردیم. عبدالمطلب آن جد بزرگوار، نام او را "محمّد" نامید.

این نام در تمام سرزمین حجاز بسیار نادر بود. در همان دوران کودکی از پدر و مادر یتیم می شود و پس از چند سال پدر بزرگش، نیز رحلت می کند. در دوران کودکی به همراهی سایر کودکان هم سن و سالش، به شغل چوپانی مشغول میگردد. و در حالی که هیچ نوع تعلیم و تربیتی در دسترسش نبود، رشد می کند. کاملاً درس نخوانده و بیسواد می ماند و از آن جا که محیط زندگی او آن چنان است که ذکر شد، امکان آن را هم ندارد که از مصاحبت با مردان تحصیل کرده بهره مند شود.

اما این مردی که در میان چنان مردم سنگدلی متولد شده، دارای قلبی است لبریز از محبت و مهر و رأفت و عطوفت. او کسی است که به یتیمان و بیوه زنان و مظلومان کمک می کند، او نسبت به همه مسافران مکه مهمان نوازی کرده، رفع ظلم می کند و نه تنها، به هیچ کس صدمه نمی زند، بلکه رنج دیگران را نیز به جان می خورد. او بر خلاف عادت بقیه ی افراد آن سرزمین، کمر همت بسته است تا مهربانی کند و آنچنان عاشق صلح و صفا و صمیمیت است که وقتی می بیند دیگران اسلحه به دست مشغول غارت همدیگر هستند، او برای ایجاد صلح و آرامش، بر همه پیشی می گیرد، و در میان ملت بت پرست به قدری روشن فکر و روشن دل و روشن بین است که در زمین و آسمان هیچ چیز را شایسته ی پرستش نمی داند جز خدای یگانه. او برای هیچ مخلوقی سر فرود نمی آورد و از انواع عبادت و پرستش مخلوقات و اشیاء بی جان جز خدا کراهت و نفرت دارد. خلاصه کلام آن که:

شخصیت درخشنده و مقتدرانه ی این مرد در چنان محیط دور افتاده و تاریک، مانند خورشیدی بی مثال و مشعلی فروزان در شب ظلمانی، یا به منزله ی برلیانی است درخشان در میان توده ای از سنگ و ریگ. در روز هفدهم ربیع الاول، ما که امت او هستیم ولادتش را جشن می گیریم و به پیامبرو پیشوای خود افتخار می کنیم .

والسّلام علیکم و رحمہ الله وبرکاته

معرفی مسجد جامع

کارمند استخدامی به صورت تمام وقت مشغول خدمات رسانی به درخواست کنندگان قرض الحسنه می باشند.

۴- حسابداری صندوق قرض الحسنه مکانیزه بوده و روش دستی توام با کامپیوتر و نرم افزارهای لازم کاملاً به روز می باشد.

۵- وامهای پرداختی صندوق از بدو تاسیس مبلغ ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال شروع گردیده و تا امروز که به مبلغ ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال ارتقا پیدا نموده است، و بدون دریافت هیچگونه کارمزدی تحت هیچ عنوانی وام پرداخت می گردد.

۶- وامها به سه صورت پرداخت می شود :

الف : وامهای عادی

ب : وامهای ازدواج

د : وامهای مسدودی

۷- پرداخت وامها با دوضامن انجام می گیرد ضامن اول کارمند بافیش حقوقی ونامه کسر از حقوق از اداره مربوطه و ضامن دوم پشت چک ضامن اول را امضا می نماید.

۸ - بازرس صندوق زیر نظر حضرت آیت ا.هاشمی مرتب از صندوق بازدید و مراتب را به ایشان گزارش می دهند.

۱- مکان صندوق قرض الحسنه زمانی که مسجد جای بسیار کوچکی داشت در فضای کوچکی در زیرزمینی به مساحت تقریبی ۱۲ متر فعالیت می نمود. که با مشکلات عدیده ای مواجه بود. آیت الله هاشمی از همان ابتدای بنای ساختمان جدیدمسجد ، عنایت ویژه ای به مکان مسجد از جهت کیفیت و وسعت صندوق قرض الحسنه داشتند که با فضل الهی مکان بسیار خوبی ساخته شد .

۲-صندوق قرض الحسنه حدوداً در سال ۱۳۷۴ به دستور آیت ا.سید فتاح هاشمی وبه مبلغ ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال درکنارسوله ای بنام مسجد بنا شده بود فعالیت خودرا آغازنموده و از ابتداء امرهیئت مدیره ای شامل ۵ عضو وبعدها با ۷ عضو نظارت مستمربه امورصندوق هیئت مدیره مسولیت تدوین آئین نامه و تصویب آن وبررسی مدارک متقاضیان وام وتائید یا درخواست رفع نواقص مدارک رادارند.

۳- درسه سال بدوشروع فعالیت به صورت نیمه وقت و با یک کارمندو بعدازظهرها با بقیه اعضا خیر قرض الحسنه فعالیت می نمود و از سال ۱۳۷۷ به علت زیاد شدن کارها قرض الحسنه بااستخدام دوکارمند به صورت تمام وقت مشغول به کارگردید و به مرور کارها زیاد وزیاد ترگردید، و پس ازساخت و اتمام محل قرض الحسنه که به نحو بسیار زیبا و مطابق استا ندارد های لازم ساخته شده و با گسترش قرض الحسنه درحال حاضر با ۵

برنامه کلاسهای ویژه خواهران مسجد جامع شهرک غرب

روز	کلاس	مدرس
دوشنبه	کلاس روخوانی و روانخوانی و تجوید	سرکار خانم میثمی
	احکام	سرکار خانم همتی
	اصول عقاید و نهج البلاغه	سرکار خانم زمانپور
سه شنبه	آموزش بهداشت (غربالگری، تست قند خون، فشار خون)	سرکار خانم سراج و کیانیان
	تفسیر و ترجمه جز قرآن (نسیم حیات)	سرکار خانم حاجی حسینی
چهارشنبه	آموزش مفاهیم قرآن	سرکار خانم حاجی حسینی
	پرسش و پاسخ مذهبی (اساتید حوزه و دانشگاه)	خانم اشراقی و امامی

برگزاری سفرهای زیارتی قم و جمکران

خواهران علاقمندان می توانند با شماره های ۸۸۵۷۴۱۷۶ در ساعات برگزاری کلاس (۸:۳۰ الی ۱۱:۴۵) و یا سرکار خانم فدایی ۰۹۱۰۲۱۰۵۶۹۳ تماس حاصل نمایند.

در این نوشتار مختصر به خصوصیات از مسجد و مسجدیان و اهل مسجد اشاره میکنیم تا تذکر برای آنها که می دانند و تعلیمی باشد برای آنهايي که احياناً فرازهایی از اهمیت این موضوع را نمی دانند.

قرآن کریم که دستور العمل حیات طیبه ی انسان است در آیه ۱۸ سوره ی مبارکه توبه می فرماید: ((إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُتَّقِينَ))

«این است و جزء این نیست که سازندگان واقعی مساجد کسانی هستند که به خداوند و روز قیامت ایمان دارند و هم نماز را به پا دارند و هم زکات مال خود را می پردازند و جزء برای خدا در برابر چیزی خشیت نورزند؛ پس امید است که آنان از هدایت شدگان باشند»

از مجموعه معارف دین مبین اسلام چنین فهمیده می شود که برترین عبادتها نماز است و در بین صورتهای مختلف نماز، این نماز جماعت است که جایگاه ویژه و اثر گذار برخوردار است، چنانکه امام هشتم علی ابن موسی الرضا علیه السلام می فرمایند:

((إِنَّمَا جُعِلَتِ الْجَمَاعَةُ لِيَتَلَّ بِكَوْنِ الْإِخْلَاصِ وَ التَّوْحِيدِ وَ الْإِسْلَامِ وَ الْعِبَادَةِ لِلَّهِ إِلَّا ظَاهِرًا مَكْشُوفًا مَشْهُورًا لِأَنَّ فِي إِظْهَارِهِ حُجَّةَ عَلَى أَهْلِ الشَّرْقِ وَ الْعَرْبِ لِلَّهِ وَحْدَهُ وَ لِيَكُونَ الْمُتَّفِقُ وَ الْمُسْتَجِفُّ مُؤَدِّيًا لِمَا أَقَرَّ بِهِ يُظْهِرُ الْإِسْلَامَ وَ الْمُرَاقِبَةَ وَ يَكُونُ شَهَادَاتِ النَّاسِ بِالْإِسْلَامِ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ جَائِزَةً مُمَكِّنَةً مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الْمُسَاعَدَةِ عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ الرَّجْرَجِ عَنْ كَثِيرٍ مِنْ مَعَاصِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ))

«نماز جماعت به آن جهت مقرر شده است تا اخلاص، توحید، اسلام و پرستش خدا همگی ظاهر، آشکار و مشهود باشد؛ زیرا با آشکار کردن این امور، حجت خدای یگانه بر اهل شرق و غرب اعلام می شود] و کسی نخواهد توانست جهل را عامل دوری از اسلام بداند]. همچنین [باید احکام اسلام آشکارا عملی شود و بر انجام آن مراقبت کنند] تا منافق و سست آیین نیز آنچه را [به زبان] اقرار کرده است، به جای آورد تا اسلام و مراقبت از آن را اظهار کند برای آنکه گواهی دادن مردم به مسلمانی یکدیگر، روا و ممکن باشد. همچنین مساعدت در نیکو کاری و تقوا و جلوگیری از بسیاری از نافرمانی های خداوند عزیز و جلیل [با حضور در نماز جماعت] محقق می شود.

پس مسجد را که محل اقامه ی جماعت است باید با رعایت آداب و احکامش پاس داشت و آنرا تکریم کرده و حرمتش را حفظ کرد، بنابراین لازم است هنگامی که مسلمان آهنگ رفتن به مسجد و قصد احرام حضور خانه خدا را میکند، به اندازه توانایی اش در شناخت آداب حضور، کوشا باشد؛ زیرا هر چه معرفت بیشتر باشد، عمل با ارزشتر و مراعات ادب، سبب تقرب بنده به خدا می شود.

از جمله بعضی از آدابی که انجام آنها نسبت به مسجد شایسته و نیکو است، عبارتند از:

- ۱- انگیزه الهی داشتن در رفتن به مسجد
- ۲- طهارت روح
- ۳- پاکیزگی جسم و لباس
- ۴- استعاذه و خواندن دعا هنگام ورود به مسجد و خروج از آن
- ۵- خواندن نماز تحیت و رو به قبله نشستن
- ۶- شتاب نکردن برای خارج شدن از مسجد. در مقابل اموری مانند:
- ۱- عبور کردن از داخل مسجد بدون نماز خواندن در آن
- ۲- بلند کردن صدا
- ۳- سخن گفتن از مسایل دنیوی
- ۴- معرفی کردن گم شده و پرسش از آن
- ۵- خواندن اشعار بیپهوده و بی محتوا
- ۶- تجارت در مسجد
- ۷- خوابیدن در مسجد بدون ضرورت شایسته نیست. همچنین مسجد رفتن کسی که بوی دهانش دیگران را آزار می دهد، مکروه است.

پس تمام این آداب را باید رعایت شود تا فرضیه اقامه جماعت محقق شود چون برگزاری نماز به جماعت، در اسلام بسیار سفارش شده و خداوند متعال، نتایج دنیوی و پاداش اخروی فوق العاده ای برای آن در نظر گرفته است؛ رسول خدا صل الله علیه و آله می فرماید: ((أَمَّا الْجَمَاعَةُ فَإِنَّ صُفُوفَ أُمَّتِي كُضُوفِ الْمَلَائِكَةِ وَ الرَّكْعَةُ فِي الْجَمَاعَةِ أَرْبَعٌ وَ عِشْرُونَ رَكْعَةً كُلُّ رَكْعَةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ عِبَادَةٍ أُزْبِعِينَ سَنَةً))

«همانا صف های نماز جماعت امت من همچون صف های فرشتگان آسمان است و گزاردن یک رکعت با جماعت معادل بیست و چهار رکعت است که هر رکعت آن در نظر خداوند محبوبتر از عبادت چهل سال است.»

حضرت علی علیه السلام در بیان یکی از موعظه های لقمان می فرماید: ((وَصَلِّ فِي جَمَاعَةٍ وَ لَوْ عَلَى رَأْسِ رَجُلٍ)) «نماز را به جماعت بخوان اگر چه بر نوک پیکان [در سخت ترین شرایط] باشد.»

بررسی دستور های اسلام نشان می دهد، نماز جماعتی کامل است که در مسجد بر گزار شود و مهم تر آنکه امامان معصوم علیه السلام خواندن نماز جماعت خارج از مسجد را بدون علت منع کرده اند. امام صادق علیه السلام درباره اهمیت نماز جماعت در مسجد فرموده است: ((مَنْ صَلَّى فِي بَيْتِهِ جَمَاعَةً رَغْبَةً عَنِ الْمَسْجِدِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ وَ لَا يَمِنُ صَلَّى مَعَهُ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ تَمْنَعُ مِنَ الْجَمَاعَةِ بَخْوَانِهِ، بَرَأَى إِلَى اللَّهِ وَ لَمْ يَكُنْ مِنَ الْمُتَّقِينَ)) «هر کس از سر بی میلی به مسجد، در خانه اش نماز جماعت بخواند، برای او نمازی نخواهد بود؛ حتی برای کسانی که با او نماز خوانده اند؛ مگر اینکه علتی مانع از حضور در مسجد باشد.»

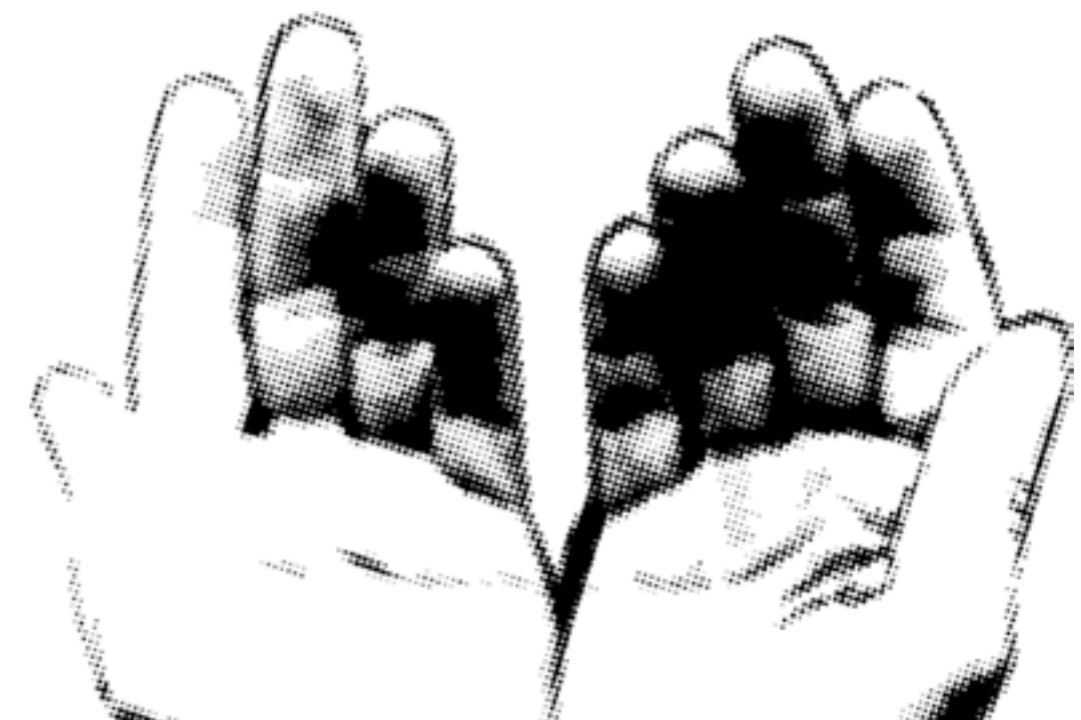
بنابراین، اصل، حضور در مسجد است و نماز خواندن حتی به جماعت، در غیر مسجد و بدون عذر، همچون نخواندن شمرده می شود.

افزون بر سفارش معصومان علیه السلام بر اقامه جماعت در مسجد، خواندن نمازهای واجب برای کسانی که توفیق حضور در جماعت را نداشته اند، نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

علماء نیز تصریح کرده اند که حاضر نشدن به جماعت از روی بی اعتنائی جایز نیست و سزاوار نیست که انسان بدون عذر، نماز جماعت را ترک کند.

مرحوم فیض کاشانی می فرماید: «ترک نماز جماعت در روایات پر شماری، به شدت نهی شده است.»

حجت الاسلام هادی احمدی طلبه پایه ۹



العظیم حسنی

حضرت موسی بن جعفر سلام الله علیه روز هفتم ماه صفر سال یک صد و بیست و هشت در ابواء که نام منزلی بین مکه و مدینه است متولد شد، و در بیست و پنجم ماه رجب سال یک صد و هشتاد و سه در زندان سندی بن شاهک در شهر بغداد دیده از جهان بست حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در هنگام وفات پنجاه و پنج سال از عمر شریفش گذشته شده بود، و مادرش ام ولد بود و او را حمیده المصفاة می گفتند، کنیه آن جناب ابو الحسن که در بین اهل حدیث به ابو الحسن اول معروف است، و هم چنین ابو ابراهیم و ابو علی هم می گفتند، و به عبد صالح و کاظم نیز معروف بودند.

مدت امامت آن حضرت سی و پنج سال بطول انجامید، در سن بیست سالگی منصب امامت به طور رسمی به ایشان رسید، زمان او مصادف بود با ابو جعفر منصور و مهدی و هادی و هارون الرشید، و در زمان هارون هنگامی که پانزده سال از خلافت وی گذشته بود با زهر کین در زندان سندی مسموم و شهید گردید و در مقابر قریش واقع در بغداد دفن گردید.

معجزات و کرامات موسی بن جعفر علیهما السلام

ابو بصیر گوید: به حضرت ابو الحسن موسی عرض کردم: جانم فدایت گردد به چه چیز می شود امام را شناخت؟ فرمود: به چند چیز میتوان امام را شناخت اول اینکه باید پدرش او را معرفی کند، تا مردم بدانند وی از طرف خدا حجت است دوم اینکه از هر چه بپرسند پاسخ دهد، سوم اینکه از امور آینده اطلاع دهد، چهارم اینکه با مردم به هر زبانی سخن گوید.

پس از این فرمود: ای ابو محمد من اکنون قبل از اینکه از جای خود حرکت کنی، علامتی را به شما نشان خواهم داد، مدتی نگذشت که یک نفر از اهل خراسان خدمت آن جناب رسید و با زبان عربی به گفتگو پرداخت، لیکن حضرت موسی بن جعفر با زبان فارسی جواب او را داد، مرد خراسانی عرض کرد: به خداوند سوگند من از این جهت با شما فارسی سخن نگفتم که خیال می کردم شما فارسی نمی دانید. حضرت فرمود: سبحان الله! اگر من قادر نباشم جواب تو را بدهم پس چه فضیلتی بر شما دارم، سپس فرمودند: ای ابو محمد امام هیچ کلامی بر وی مخفی نخواهد بود و با همه مردم سخن میگوید، و گفتار پرندگان را می داند، و با هر ذی روحی می تواند تکلم کند.

اسحاق بن عمار گوید: در خدمت حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام بودم که مردی بر وی وارد شد، حضرت فرمود: ای مرد تو تا یک ماه خواهی مرد، راوی گوید من با خود گفتم: گویا وی از مرگ شیعه اطلاع دارد، در این هنگام حضرت فرمود ای اسحاق چرا این موضوع را انکار می کنی، رشید هجری که یکی از مستضعفین بود علم منایا را می دانست، امام که از وی به این علم اولی است.

پس از این فرمود: ای ابو اسحاق تو تا دو سال دیگر خواهی مرد، و خویشاوندان و فرزندان و اموال تو از بین خواهند رفت و به فقر شدیدی مبتلا می گردند، و این قضایا پس از آن انجام گرفت، و مطلب همان طور که موسی بن جعفر فرموده بود واقع شد.

ابو خالد زبالی گوید: موسی بن جعفر علیهما السلام بر ما وارد شد در هنگامی که مهدی عباسی او را با خود می برد، پس از اینکه مراجعت کرد او را تودیع کردم و گریستم فرمود: چرا گریه می کنی؟ عرض کردم: قربانت کردم این مردم شما را می بردند و نمی دانم عاقبت امر چه خواهد شد، حضرت فرمود: در این مرتبه بر من زبانی نخواهد رسید و من در فلان روز نزد شما خواهم بود و در انتظار من باشید. راوی گوید: من در روز مقرر بیرون شدم و سر راه انتظار او را می کشیدم

تا آنگاه که آفتاب زرد شد، و من ترسیدم که ممکن است وی از تصمیم خود منصرف شده باشد، لذا برخاستم و مراجعت کردم، در این هنگام مشاهده کردم سیاهی از دور پیدا شد، و منادی از پشتم فریاد زد.

من برگشتم مشاهده کردم حضرت موسی بن جعفر است که بر استری سوار شده، فرمودند: ای ابو خالد صبر کن، عرض کردم: آری ای فرزند رسول خدا ستایش می کنم خداوندی را که تو را از گزند آنان نگهداری کرد، فرمود: ای ابو خالد من بهمین زودی بار دیگر در دست این ها گرفتار خواهم شد که از وی خلاصی ندارم.

در میان مردم مشهور است که موسی بن جعفر علیهما السلام در میان فرزندان حضرت صادق علیه السلام از همه شریفتر و بزرگوارتر است، مقام او در دین و مذهب از همگان رفیع تر و بلندتر است، و از همه آنان فصیح تر و داناتر و فهمیده تر می باشد، آن جناب از عباد و زهاد زمان خویش به شمار میرفت و از همگان اعد (عابدترین) بودند.

روایت شده که حضرت موسی بن جعفر نوافل شب را به نماز صبح می پیوست، و پس از آن به تعقیب مشغول می شد تا آنگاه که آفتاب طلوع می کرد، و بعد بسجده می رفت تا آنگاه که آفتاب بزوال می رسید و در سجده خود می فرمود: « قَبِّحَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ فَلَیْحَسِنِ الْعَمَلُ وَ التَّجَاوُزُ مِنْ عِنْدِكَ » و یکی از دعاهاى معروف آن جناب این است که می فرمود: « اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ ».

حضرت موسی بن جعفر از خوف خداوند گریه می کرد تا آنگاه که محاسن شریفش از اشکش تر می شد، و از فقراء مدینه همواره دلجوئی می کرد و در شبها برای آنان نان و غذا می برد، و آنها نمی دانستند که این غذاها از کجا می رسد.

حماد بن عیسی نقل می کند: خدمت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام رسیدم در بصره، عرض کردم: آقا فدایت شوم از خدا بخواه به من منزلی و همسری و فرزند و خدمت کار عنایت کند و هر سال موفق به زیارت خانه خدا شوم امام علیه السلام دست خود را بلند نموده گفت: « اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ »

خدایا حماد بن عیسی را منزل و همسر و فرزند و خادمی با پنجاه سال حج خانه خود روزی فرما. حماد گفت: همین که قید کرد پنجاه سال فهمیدم بیش از پنجاه سال حج نخواهم گزارد.

حماد گفت: هم اکنون چهل و هشت حج بجای آورده ام، این خانه من است که بدعای آن آقا نصیبم شده و زخم پشت پرده صدایم را می شنود و این فرزند و این کنیز من است تمام آنچه دعا کرد نصیبم شد.

بعد از آن دو سال دیگر به حج رفت تا پنجاه سال تمام شد. بعد در سال پنجاه و یک که عازم مکه بود و همسفر با ابو العباس نوفلی شد وقتی به محل احرام رسید رفت غسل کند برای احرام بستن سیلی در دره جاری شد او را برد و غرق شده از دنیا رفت قبل از اینکه حج پنجاه و یکم را انجام دهد و در سیاله که اولین منزل از مدینه به مکه است دفن شد.

این کرامات گوشه ای از مکارم حضرت موسی بن جعفر عبد صالح خداوند است .

مؤلف: حجت الاسلام روح الله علیرضا لو
استاد حوزه علمیه الامام علی ابن ابیطالب علیه السلام

عبدالعظیم معروف به سیدالکریم و کنیه ابوالقاسم فرزند عبدالله ، فرزند علی بن حسن ، فرزند حسن بن زید، فرزند زید بن حسن (علیه السلام) فرزند علی بن ابیطالب (علیه السلام) است ، که ریشه خانوادگی او، با چهار واسطه به امام حسن (علیه السلام) و با پنج واسطه به علی (علیه السلام) میرسد.

تاریخ ولادت و وفات

محقق بزرگ مرحوم علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی درباره تاریخ ولادت حضرت عبدالعظیم حسنی می نویسند: «بنابر نقل کتاب الخصائص العظیمیه ولادت حضرت عبد العظیم علیه السلام در روز پنجشنبه چهارم ربیع الثانی سال ۱۷۳ ق در مدینه واقع شده است»، و در ۱۵ شوال ۲۵۲ هجری ، در ((شهر ری)) وفات یافت بنابراین ، حضرت عبدالعظیم (علیه السلام) ۷۹ سال عمر کرده است .

منزلت حضرت عبدالعظیم علیه السلام

شیخ صدوق در کتاب «کمال الدین» می نویسد: «وقتی که حضرت عبدالعظیم (ع) خدمت امام هادی (ع) مشرف شد و عقاید خود را اظهار نمود، امام فرمود: تو از دوستان حقیقی ما هستی.»

و نیز مؤلف کتاب «جنة النعیم» می گوید: «شخصی به نام ابا حماد رازی - از شیعیان و موالیان شهر ری - با وجود مشکلات آن زمان به سامراء رفت و خدمت امام زمانش حضرت علی النقی (ع) رسید و مسائلی را پرسید. امام، ضمن پاسخ به مسائل او، فرمود:

«ای ابا حماد! هرگاه مشکلی از امور دینی برایت پیش آمد، جواب مشکل خود را از عبدالعظیم حسنی بخواه و سلام مرا به او برسان.»

آثار علمی حضرت عبدالعظیم علیه السلام

حضرت عبدالعظیم علیه السلام علاوه بر نقل احادیث از ائمه معاصر خویش کتاب هایی نیز تالیف نموده است که این دو اثر از آن جمله است:

۱- خطبه های امیرالمومنین علیه السلام : این اثر مشتمل بر چند خطبه مولای متقیان امیرالمومنان علی علیه السلام است.

۲- کتاب یوم و لیله: در این اثر درباره وظایف و اعمال مستحب و اخلاقی افراد در هر شبانه روز مطالبی عرضه شده است. با کمال تأسف اصل این اثر همانند بسیاری از آثار ارزشمند اسلامی در طول تاریخ از بین رفته است.

فضیلت و فلسفه زیارت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام)

در مورد فضیلت زیارت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) دو حدیث وارد شده :

۱ -

این حدیث ظاهرا از امام دهم حضرت هادی (علیه السلام) است ، آنحضرت فرموده است : هر کس قبر عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) را زیارت کند، بهشت بر او واجب می گردد.

۲ - ابن قولویه در کامل الزیارات (باب ۱۰۷ صفحه ۳۲۴) از علی بن حسین ابن موسی بن بابویه و او از محمد ابن یحیی اشعری عطار قمی روایت کرده یکی از اهالی ری گفت بر حضرت ابوالحسن العسکری امام هادی علیه السلام وارد شدم آن جناب از من پرسید کجا بودی؟ عرض کردم به زیارت سید الشهداء علیه السلام رفته بودم آن حضرت فرمود بدان و آگاه باش اگر قبر عبدالعظیم حسنی علیه السلام را که در نزد شماست زیارت کرده بودی مثل آنست که حضرت حسین ابن علی را در کربلا زیارت کرده باشی .

حال برای فهم این وجه شباهت بین این دو بزرگوار می بایست همه جوانب این احادیث بررسی گردد :

الف : اعتبار سند حدیث

این حدیث از نظر سند و مدرک معتبر است ، و بسیاری از عالمان آگاه و حدیث شناس ، و مورخ و فقیه ، آنرا در کتابهای متین و ارزشمند خود آورده اند، که از باب نمونه ، تعدادی از کتابها و نویسندگان آنرا، مورد توجه قرار می دهیم :

۱ - محمد بن قولویه قمی ، در کتاب ((کامل الزیارات)) ص ۳۲۴ .

۲ - شیخ صدوق ، در کتاب ((نواب الاعمال)) ص ۱۲۴ .

۳ - حاج میرزا حسین نوری ، در کتاب ((مستدرک الوسائل)) ج ۳، ص ۶۱۴ و ۶۶۹ .

ب : دلالت و مفهوم حدیث

از لحاظ دلالت و مفهوم نیز، جهت تبیین معنی این حدیث ، مناسب است که این جهات را مورد، دقت قرار دهیم :

۱ - موضوع مبارزه و هجرت

آن بزرگوار ، بخش زیادی از عمر خود راه، در راه مبارزه و ستیز با حکام جور گذرانده ، و تحت تعقیب بوده ، و درگیری و آوارگی داشته، و نیز قیام و هجرت نموده است ، و میتواند، مشمول آیه : وَ مَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ .. قرار گیرد، و زیارت او، دارای ارزش و فضیلت زیادی باشد.

۲ - اطاعت و ولایت اهل بیت (علیه السلام)

عبدالعظیم حسنی (علیه السلام بخاطر خلوص و اطاعت ، به مقامی میرسد که، امام هادی (علیه السلام) میفرماید: انت ولینا حقا .

۳ - بیان عظمت و تقویت عقیده

علامه عالی قدر، مرحوم شیخ عبدالحسین امینی، نویسنده کتاب بی نظیر ((الغدیر)) در پاورقی کتاب کامل الزیارات مینویسد: این حدیث بخصوصیت آن راوی و آن مرد زیارت کننده، توجه خاصی دارد، و معلوم می شود، که آن شخص نسبت به مقام حضرت عبدالعظیم (علیه السلام) بی اعتنا بوده و از خود نسبت بآن حضرت رغبتی نشان نمیداده ، و از مقام و شخصیت والای آن بزرگوار، بی اطلاع بوده است .

و حضرت هادی (علیه السلام) هم خواسته است، بدین وسیله، عظمت عبدالعظیم را مورد تجلیل قرار داده و معرفت آن مرد را تقویت نموده باشد.

منابع :

پایگاه اطلاع رسانی حرم عبد العظیم حسنی(ع)

پایگاه اطلاع رسانی حوزه نت

گردد آورنده : حجت الاسلام و المسلمین مهدی کرمی



وصیتنامه شهید خرازی

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَمَلَأَ قَلْبِي حُبًّا لَكَ وَخَشِيَّةً مِنْكَ وَتَضْفِيقاً بِكِتَابِكَ وَإِيمَاناً بِكَ وَفَرَقاً مِنْكَ وَشَوْقاً إِلَيْكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ حَبِّبْ إِلَيَّ لِقَائَكَ وَأَحِبِّ لِقَائِي وَاجْعَلْ لِي فِي لِقَائِكَ الرَّاحَةَ وَالْفَرَجَ وَالْكَرَامَةَ (دعای ابو حمزه)

قبلا چند کلمه ای به عنوان وصیت نوشته بودم و فکر می کنم تکمیلی، چند کلمه دیگر باید بنویسم. خدایا، غلط کردم، استغفرالله، خدایا امان، امان از تاریکی و تنگی و فشار قبر و سؤال نکبر و منکر در روز محشر و قیامت. به فریادم برس، خدایا دلشکسته و مضطربم، صاحب پیروزی و موفقیت، ترا می دانم و بس، و بر تو توکل دارم. خدایا تا زمان عملیات، فاصله ی زیادی نیست، خدایا به قول امام خمینی (تو فرمانده کل قوا هستی) خودت رزمندگان را پیروز گردان، شر صدام کافر را از سر مسلمین بکن خدایا، از مال دنیا، چیزی جز بدهکاری و گناه ندارم، خدایا، تو خود توبه ی مرا قبول کن و از فیض عظمای شهادت، نصیب و بهره مندم ساز و از تو طلب مغفرت و عفو دارم

یا واسع المغفرة یا من سبقت رحمته عن غضبه از همسر خوب و ایثارگرم، کمال تشکر و سپاسگذاری را دارم انشاءالله که مرا می بخشی. الحمدلله خداوند لطف و کرم نموده، به سلامتی او را مهدی و یا زهرا اسم بگذار و از خوراک و طعام حلال و طیب به او بخوران، و او را سرباز و طلبه امام زمان (عج) بار بیاور و تربیت کن که این خود هدیه ایست به پیشگاه خداوند باری تعالی و وسیله کاهشی باشد از عذاب قبر و آخرت و قیامت ما، می دانم در امر بیت المال امانت دار خوبی نبودم و ممکن است زیاده روی کرده باشم، خلاصه بر اینم رد مظالم کنید و آموزش بخواهید.

والسلام حسین خرازی ۱۳۶۵/۰۱/۱

مدیر مسئول: در شماره پیشین عکس شهید خرازی به جای عکس شهید آبناسان به اشتباه درج شده بود که بدینوسیله از خوانندگان گرامی عذرخواهی می نمایم.
حجت الاسلام والمسلمین پیکری



زندگینامه شهید آبناسان

سرلشکر «حسن آبناسان»، (۱۳۱۵-۱۳۶۴) توانایی خیره کننده ای در فنون نظامی و شگردهای رزمی داشت. مردی با مؤلفه های مثال زدنی و برخاسته از ژرفای زندگی اجتماعی مردم ستم کشیده همین دیار. عارفی که دانش و توان انسانی اش رشک برانگیز بود. کسی که شخص «صدام حسین» برای سرش جایزه تعیین کرده بود و عراقیها هراس داشتند به دشت عباس، جایی که آبناسان و گروهش آنجا بودند، بیایند. حسن آبناسان، فرمانده نیروهای مخصوص ارتش (کلاه سبزها) اوایل جنگ، با یک گروه ۸ نفره چریک، کاری کرد که در رادیو عراق اعلام شد، یک لشکر از نیروهای ایرانی در دشت عباس مستقرند. در اوایل جنگ یک بار مجروح شد، اما به اشتباه خبر شهادت او در منطقه پیچید. مردم دشت عباس، که یاران او در نبرد بودند، با شنیدن خبر شهادت وی به او لقب «شهید صحرا» دادند؛ ولی وقتی او پس از مداوای سطحی به منطقه برگشت و اهالی دشت عباس او را زنده دیدند، لقب «شیر صحرا» برای او باقی ماند. این لقب برای او چنان با مسما بود که راديوهای دشمن هم با همین عنوان از او نام می بردند. شهید حسن آبناسان در تاریخ ۱۳۶۴/۷/۱۸، در حالی که فرماندهی لشکر ۶۲ نوه (نیروی ویژه هواپرد)، فرماندهی قرارگاه حمزه و لشکر ۳۲ نیروهای مخصوص را بر عهده داشت، همزمان با عملیات قادر، که خود طراحی آن را به عهده داشت، در منطقه سرسول بر اثر اصابت تیر مستقیم دشمن به شهادت رسید. وقتی خبر شهادتش منتشر شد چهار روز بعد از عاشورا بود. این خبر از رادیو عراق با شادی و مارش پیروزی پخش شد. امید نیکدل، یکی از همزمان آبناسان، تعریف می کرد: «در یک عملیات، چند عراقی را اسیر کرده بودیم. یکی از اسیرها تیر خورده بود به زانویش و نمی توانست راه برود. باید می کشتیمش. والا امکان داشت خودمان هم تو در دسر بیفتیم. سرهنگ تک و تنها آن اسیر را حدود ۸ کیلومتر تا مقرمان کول کرد. فقط به خاطر اینکه زنده بماند. آن عراقی بعد از تمام شدن جنگ همیشه از آبناسان یاد می کرد. حتی وقتی اسرا آزاد شدند، رفت بهشت زهرا سر مزار آبناسان.»

آن شهید در آخرین روزهای عمر خود نیز با وجود ۸۴ سال سن به گواهی همزمانش هر روز صبح در محل کار به ورزش و آماده نمودن جسم خود می پرداخت و همیشه این شعر در دفتر کارش نقش بسته بود و هم اکنون نیز زینت بخش سنگ مزارش است:

ما زنده به آئیم که آرام نگیریم
موجیم که آسودگی ما عدم ماست



ارتباط انسان و خدا در نهج البلاغه

از مهم ترین موضوعاتی که انسان های امروزی در کشاکش زندگی روزمره به فراموشی سپرده اند، راه های برقراری ارتباط با خداست و یکی از بی نظیرترین گنجینه های توحیدی نهج البلاغه امام علی علیه السلام است. کسی که می خواهد به معرفت در زمینه خداشناسی و توحید دست یابد می تواند از این اقیانوس بی کران گوهرهای فراوانی صید کند. برآستی می توان گفت: بیش تر مطالب نهج البلاغه درباره راه های برقراری ارتباط انسان و خداست و آن چه در این مجال کم قابل طرح است، رئوس مطالب به گونه اجمال است نه تفصیل. به این منظور به دو راه اساسی و مهم که اساس و بنیان دیگر راه های ارتباطی بین انسان و خدا هستند، اشاره می کنیم:

اول رابطه معرفتی:

رابطه معرفتی به این معناست که انسان در حوزه شناخت و معرفت، ارتباط مناسبی با خدا داشته باشد در حقیقت، روح ایمان و عمل انسان «ارتباط معرفتی» با خداست. امام علی (ع) در این باره می فرماید: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ وَ كَمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصَدُّيقُ بِهِ وَ كَمَالُ التَّصَدُّيقِ بِهِ تَوْجِيهَهُ وَ كَمَالُ تَوْجِيهِهِ الْإِخْلَاصُ لَهُ وَ كَمَالُ الْإِخْلَاصِ لَهُ نَفْسُ الصِّفَاتِ عَنْهُ؛ سرآغاز دین، خداشناسی است و کمال شناخت خدا، باور داشتن او و کمال باور داشتن خدا، شهادت به یگانگی اوست. کمال توحید (شهادت بر یگانگی خدا) اخلاص و کمال اخلاص، خدا را از صفات مخلوقات جدا کردن است» این فرمایشات امام (ع) نشان می دهد: اولین چیزی که باید از دین آموخت، معرفت خداست که همان برقراری ارتباط معرفتی میان انسان و خالق است، و انسان تا این شناخت را پیدا نکند، تصدیق به خدا برای او حاصل نمی شود. «تصدیق، اشاره به ایمان دارد؛ زیرا می دانیم علم از ایمان جداست. ممکن است انسان به چیزی یقین داشته باشد، ولی ایمان قلبی که تسلیم در برابر آن و به رسمیت شناختن در درون دل، یا به تعبیر دیگر اعتقاد به آن است، نداشته باشد.

امام (ع) ارتباط معرفتی و شناختی مردم با «پیامبر» و «اهل بیتش» را نیز در ردیف ارتباط معرفتی انسان و خدا قرار داده است و می فرماید: «إِنَّهُ مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى فِرَاشِهِ وَ هُوَ عَلَى مَعْرِفَةِ حَقِّ رَبِّهِ وَ حَقِّ رَسُولِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ مَاتَ شَهِيداً وَ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ؛ زیرا هر کس از شما که در بستر خویش با «شناخت خدا» و «پیامبر (ص)» و «اهل بیت» پیامبر (ع) بمیرد، شهید از دنیا رفته و پاداش او بر خداست»



دوم رابطه عملی:

اگر سؤال شود که آیا تنها رابطه معرفتی با خدا برای رسیدن به سعادت و کسب کمالات کافی است یا عملی که در ارتباط با خدا قرار گیرد نیز نقش دارد؟ پاسخ آن است که ارتباط با خدا مانند مرغی است که به دو بال معرفت و عمل نیاز دارد و بدون یکی از این دو، نمی تواند پرواز کند. در توضیح این مطلب به گفتاری از امام علی (ع) اشاره می کنیم تا از کلمات حیات بخش این امام بیش تر استفاده کنیم: «فَبِالْإِيمَانِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحَاتِ وَ بِالصَّالِحَاتِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِيمَانِ وَ بِالْإِيمَانِ يُعَمَّرُ الْعَلْمُ؛ با ایمان می توان به اعمال صالح راه برد و با اعمال نیکو می توان به ایمان دسترسی پیدا کرد. با ایمان، علم و دانش آبادان است.» این جملات امام (ع) نشان می دهد که ایمان، راهنمای انسان در انجام عمل صالح است و بالعکس عمل صالح نیز در شکوفایی ایمان نقش دارد؛ یعنی میان ایمان و عمل صالح رابطه طرفینی برقرار است. ایمان نقشی بر انجام عمل صالح دارد و عمل صالح نقشی در ایمان. بنابراین معرفت و ایمان به تنهایی و بدون اعمال صالح، برای رسیدن به کمال مطلوب انسان کافی نیست، بلکه بال دیگری به نام «اعمال صالح» برای پرواز لازم است.

توصیه امام (ع) بر ارتباط عملی: «الْعَمَلُ الْعَمَلُ، ثُمَّ النَّهَايَةُ وَ الْإِسْتِقَامَةُ الْإِسْتِقَامَةُ، ثُمَّ الصَّبْرُ الصَّبْرُ وَ الْوَرَعُ الْوَرَعُ! إِنَّ لَكُمْ نَهَائَةً فَأَنْتَهُوْا إِلَى نَهَائِتِكُمْ وَ إِنَّ لَكُمْ عِلْمًا فَأَهْتَدُوا بِعَلْمِكُمْ؛ عمل صالح! سبس آینده نگری! آینده نگری! و استقامت! استقامت! آن گاه، بردباری! بردباری! و پرهیز کاری! پرهیز کاری! برای هر کدام از شما عاقبت و پایان مهلتی تعیین شده است. با نیکوکاری به آن جا برسید و همانا پرچم هدایتی برای شما برافراشتند پس با آن هدایت شوید.»

گردآورنده: مریم اسدی

اهداء القرآن بحمد الله



قرآن جامع حکمت نظری و حکمت عملی است

هر انسانی به مقدار تحملش بار امانت قرآن را حمل می نماید و عترت طاهره که عدل دائمی قرآن کریم می باشند هرکس را به مقدار توان علمی او تعلیم می دادند، وقتی تفسیر کریمه یَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ (سوره حج آیه ۲۹) از امام صادق (ع) پرسیده شد حضرت برای عبدالله بن سنان طوری معنی کرد و برای ذریح محاربی طوری دیگر. سپس سر این تفاوت از امام ششم علیه السلام سوال کردند. حضرت فرمودند:

هر دو راست است ولی «وَمَنْ يَحْتَمَلْ مَا يَحْتَمَلْ ذَرِيحٌ» یعنی چه کسی چون ذریح، تحمل اسرار قرآن را دارد، ...

همچنین از حضرت حسین بن علی (ع) و امام صادق (ع) رسیده است که کتاب الله عَزَّوَجَلَّ عَلَى أَرْبَعَةٍ، الْعِبَارَةُ وَالْإِشَارَةُ وَاللُّطَائِفُ وَالْحَقَائِقُ فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ وَالْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ وَاللُّطَائِفُ لِلْأَوْلِيَاءِ وَالْحَقَائِقُ لِلْأَنْبِيَاءِ.

و کوتاه سخن آنکه قرآن هم حکمت نظری را در بردارد و هم حکمت عملی را به خوبی جامع است لذا بعنوان ایحاء حکمت معرفی شده است که (ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَى إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ) و چون به منظور هدایت جهانیان نازل شده، تنها به گروه خاصی سخن نمی گوید بلکه با لسان مشترک همه انسانها که همان زبان فطرت است سخن می گوید:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا وَ مِنْهَا مَنَاسِكٌ كَثِيرٌ قَدْ جَعَلْنَا لِكُلِّ شَيْءٍ مِّنْهَا قَانُونًا إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَثَلٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ
قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

و چون مطالب قرآن کریم با برهان همراه است وزین می باشد و چون با فطرت هماهنگ است آسان خواهد بود بنابراین نه تهی مغز وخفیف است و نه بر فطرت تحمیلی و دشوار، لذا به هر دو نکته اشاره می کند که:

إِنَّا سَأَلْنَاكَ عَنِّيكَ قَوْلًا قَلِيلًا
لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَكِّرٍ

و چون تمام آیات قرآن کریم متحدند و هر کدام با دیگری هماهنگی داشته و زمینه ظهور آن را فراهم می نماید لذا متشابه و مثالی بوده و در اثر انشاء و انعطاف مخصوصی که بین آنها یافت می شود هیچکدام را جدای از مجموع، نمیتوان موردبررسی و تحقیق قرار داد.

اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِيًّا

پس کسی که مطلبی از یک آیه به طور مجزا از آیات دیگر فهمید به همه غرض آیه احاطه نیافته است و باید برای فهم بیشتر به مجموع آیات انس بگیرد، به امید نیل به اهداف کلام الله در ذیل عنایت الله تبارک و تعالی انشاء الله.

مؤلف: محمد پیکری

امیر بیان و مولای متقیان حضرت علی بن ابیطالب علیه افضل صلوات المصلین (در خطبه ۱۰۹ از نهج البلاغه) می فرماید:
تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ وَ تَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رَبِيعُ الْقُلُوبِ وَاسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ وَ أَحْسِنُوا تِلَاوَتَهُ فَإِنَّهُ أَنْفَعُ الْقَصَصِ

قرآن را یاد گیرید که نیکوترین سخن است و در آن فهم عمیق پیدا کنید که آن بهار دلهاست و به وسیله نور آن طلب شفا کنید که آن شفاء سینه هاست و تلاوت آنرا (قرائت توام با فهم) نیکو دارید که آن منفعت بخش ترین حکایتهای حکیمانه است. جذابیت قرآن و ضرورت انس به کلام معشوق ازل و ابد، بسیاری از عالمان بزرگ دینی را بر آن داشته است که قرآن را محور معلومات و معارفی که در سینه دارند قرار دهند و یکی از آنها بنیانگذار انقلاب اسلامی است و ما در آغاز این قسمت از مبحث قرآن شناسی از زبان امام خمینی رضوان الله تعالی علیه در این شماره از فصلنامه جنبه ای از جنبه های پر جاذبه قرآن را طرح و بیان می کنیم و سپس بحث خود را ادامه می دهیم. ایشان میفرمایند:

«قرآن این کتاب معرفه الله و طریق سلوک به او با دست دوستان جاهل از طریق خود به انحراف و انزوا کشیده شد و آراء انحرافی و تفسیرهای به رای که آن همه ائمه اسلام علیهم السلام از آن نهی فرمودند در آن راه یافت و هرکس با نفسانیت خود در آن تصرف نمود. این کتاب عزیز در محیطی و عصری نازل شد که تاریکترین محیط و عقب افتاده ترین مردم در آن زندگی می کردند و به دست و قلب الهی کسی نازل شد که زندگی خود را در آن محیط ادامه می داد، و در آن حقایق و معارفی است که در جهان آن روز چه رسد به محیط نزول آن سابقه نداشت و بالاترین و بزرگترین معجزه آن همین است، آن مسائل بزرگ عرفانی که در یونان و نزد فلاسفه آن سابقه نداشت و کتب ارسطو و افلاطون بزرگترین فلاسفه آن عصرها از رسیدن به آن عاجز بودند و حتی فلاسفه اسلام که در مهد قرآن کریم بزرگ شدند و از آن استفاده ها نمودند به آیاتی که صراحت زنده بودن همه موجودات جهان را ذکر کرده، آن آیات را تأویل میکنند و عرفاء بزرگ اسلام که از آن ذکر می کنند همه از اسلام اخذ نموده و از قرآن کریم گرفته اند و مسائل عرفانی به آن نحو که در قرآن کریم است در کتاب دیگر نیست و اینجا معجزه رسول اکرم (ص) است که با مبداء وحی آن طور آشنائی دارد که اسرار وجود را برای او بازگو می نماید و خود باعروج به قله کمال انسانیت حقایق را آشکارا و بدون هیچ حجاب می بیند و درعین حال در تمام ابعاد انسانیت و مراحل وجود حضور دارد.»



ملا محسن فیض کاشانی

محمد مشهور به ملا محسن و ملقب به فیض در چهاردهمین ماه صفر سال ۱۰۰۷ ق. در یکی از بزرگترین و مشهورترین خاندان علم و ادب، که سابقه درخشان و خدمات ارزنده آنان به حدود چهار قرن می‌رسد در کاشان به دنیا آمد. پدر ایشان رضی الدین شاه مرتضی فقیه، متکلم، مفسر و ادیب در حوزه علمیه کاشان تدریس داشته و از شاگردان ملا فتح الله کاشانی و ضیاء الدین محمد رازی بوده است. مادر او زهرا خاتون بانویی عالم و شاعر، دختر ضیاء العرفا رازی از عالمان بزرگ شهر ری بوده است. جد فیض تاج الدین شاه محمود فرزند ملا علی کاشانی، عالم و عارفی شاعر و از مشهورین زمان خویش در کاشان بوده و در آنجا مدفون است.

دوران کودکی و تحصیلات

ملا محسن چهارمین فرزند شاه مرتضی در دو سالگی بود که از فیض حضور پدر بی بهره گشت. از آن پس دایی و عمویش تعلیم و تربیت او و دیگر برادرانش را به عهده گرفتند و چون فیض از برادران خود باهوش تر و مستعدتر بود مقدمات علوم دینی و بخشهایی از آن را تا سن بلوغ در کاشان نزد عمو و دایی اش نورالدین محمد مشهور به حکیم و آخوند نورا فرا گرفت. بیست ساله بود که با برادر بزرگش عبدالغفور برای ادامه تحصیل به اصفهان که در آن روزگار پایتخت کشور و مرکز تجمع علمای بزرگ و اساتید زبردست و ماهر در رشته‌های مختلف علوم اسلامی بود، رهسپار گردید.

مشهورترین استادان و ناموران اجازه اجتهاد و نقل روایت فیض در اصفهان، ملا محمد تقی مجلسی، شیخ بهایی در علوم فقه و حدیث و تفسیر و میرداماد، میرفندرسکی و ملا صدرا در فلسفه، عرفان و کلام بوده‌اند. پس از آن ملا محسن با شنیدن خبر ورود سید ماجد بحرانی به شیراز، از اصفهان به آنجا رفت و مدت دو سال نزد ایشان به تکمیل علوم خویش در رشته های حدیث و روایت پرداخت و سپس موفق شد از ایشان اجازه نقل روایت را کسب نماید و سپس به اصفهان بازگشت و بار دیگر در مقام شاگردی استاد سیخ بهایی مشغول به تحصیل گردید. در این سالها که فیض از بی نیاز شده از تقلید و اجازه اجتهاد خویش را نیز کسب نموده و برای حج مستطیع شده بود عازم بیت الله الحرام گردید و در آنجا به ملاقات شیخ محمد فرزند حسن فرزند زین الدین عاملی رفت و از آن بزرگوار پس از استفاده‌های علمی، اجازه روایت و نقل حدیث دریافت کرد و از پس از مراجعت از مکه به شهرهای دیگر ایران مسافرت کرد و از دانشمندان آن شهرها بهره برد تا زمانی که ملا صدرا از شیراز



مقبره ملا محسن فیض کاشانی

به قم مهاجرت کرد و در روستای کهک قم اقامت گزید. در این موقعیت که ملا صدرا دوره ریاضت و علم باطنی را شروع کرده بود ملا محسن و ملا عبدالرزاق لاهیجی به سوی شتافته، مدت هشت سال مونس تنهایی او بودند و در مصاحبتهای شبانه روزی با استاد استفاده کامل معنوی می‌بردند. در این دوران ملا صدرا دو دختر فاضل و عالم خود را به دو شاگردش ملا محسن و ملا عبدالرزاق تزویج کرد و آن دو شاگرد و داماد را به «فیض» و «فیاض» لقب داد. در همین زمان از سوی حاکم شیراز از ملا صدرا تقاضای مراجعت به شیراز شد. او این دعوت را پذیرفت. فیض نیز به همراه استاد و پدر همسرش به شیراز رفت و نزدیک به دو سال در آنجا ماند. بعد از این مدت او به کاشان بازگشت و به امر تدریس، تعلیم، تبلیغ و ترویج و تألیف و تصنیف مشغول گردید و گاه در قمصر و کاشان با جمعی از دوستان نماز جمعه اقامه نمود.

تألیفات و تصنیفات

تفسیر صافی، تفسیر اصفی، تفسیر مصفی، الوافی، الشافی، النوادر، المحجّه البیضاء مفاتیح الشرایع، اصول المعارف، اصول العقائد، رساله علم الیقین، رساله الحق الیقین، رساله عین الیقین، رساله الحق المبین، الجبر و الاختیار، ضیاء القلب، الفت نامه، زاد السالک شرح الصدر، راه صواب، گلزار قدس، آب زلال، دهر آشوب، شوق الجمال، شوق المهدی، شوق العشق، دیوان قصائد، غزلیات و مثنویات وفات ملا محسن فیض در ۸۴ سالگی در کاشان دعوت حق را لبیک گفت و چشم از این جهان فرو بست.

گردآورنده: حجت الاسلام والمسلمین مهدی کرمی



سیدالشهداء (ع) در مقابل قضا و حکم الهی صابر و تسلیم رضای او بود

سحرخیزی مبارك است و روزی را می‌افزاید

حضرت حسین بن علی (علیه السلام) در وصیت نامه خود، که به محمد حنفیه نوشته، فرموده اند: «وَمَنْ رَدَّ عَلَيَّ هَذَا أَهْبَرَ حَتَّى يَقْضَى اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَ الْقَوْمِ بِالْحَقِّ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ» هر کس مرا رد کند و از یاری من سرباز زند صبر می‌کنم تا خدا بین من و بین قوم اموی حکم کند که او بهترین حکم کننده است.

در آخرین لحظات نیز در مناجات خود عرضه می‌دارد: «صَبْرًا عَلَيَّ قَضَائِكَ يَا رَبِّ... صَبْرًا عَلَيَّ حُكْمِكَ...»؛ پروردگارا بر قضا و حکم تو صبر می‌کنم...

نه تنها خود آن حضرت چنین است بلکه اهل بیت و اصحاب خود را نیز توصیه می‌کند که در مقابل قضای الهی صبر کنند و تسلیم باشند. در روز عاشورا خطاب به عموزادگان و اهل بیت خود فرمود: «صَبْرًا يَا بَنِي عَمَّتِي صَبْرًا يَا أَهْلَ بَيْتِي».

چنان که خطاب به اصحاب خودش نیز فرمود: «صَبْرًا يَا بَنِي الْكِرَامِ...» یعنی چون شما از خاندان کرامت هستید، باید صبر کنید. به خاطر القای همین روحیه به بستگان است که زینب کبری در مجلس ابن زیاد می‌فرماید: هر چه دیدم زیبا و گوارا بود؛ «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا».

منبع: کتاب حماسه و عرفان، حضرت آیت الله جوادی آملی، ص ۲۵۴

گردآورنده: رویا مالکی

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید: سحرخیزی مبارک است و همه نعمت‌ها به ویژه روزی را می‌افزاید؛ همچنین آن حضرت می‌فرماید: صبحگاهان در پی نیازمندی‌هایتان بروید، چرا که آسان به دست می‌آیند.

امیرمؤمنان سلام الله علیه نیز می‌فرماید: هیچ سحرخیزی در راه خدا برتر از سحرخیزی برای تأمین معاش فرزندان و خانواده نیست.

امام صادق سلام الله علیه هم فرمودند: جدیت و تلاش کنید! هر گاه نماز صبح گزاردید و بازگشتید صبحگاهان در پی روزی روید و کسب حلال کنید، چرا که خدای عزوجل روزیتان دهد و یاریتان رساند. همچنین آن حضرت می‌فرماید: امام سجاد سلام الله علیه هنگام صبح در پی روزی بیرون می‌رفت. پرسیدند: ای فرزند رسول خدا کجا می‌روی؟ فرمود: برای پذیرش صدقه برای خانواده‌ام. پرسیدند: آیا برای خانواده‌ات صدقه می‌پذیری؟ فرمود: هر که کسب حلال کند صدقه عایله خود را از خدا می‌پذیرد و به آنان می‌رساند.

برگرفته از کتاب مفاتیح الحیاة حضرت آیت الله جوادی آملی، ص ۹۲



بِالصَّلَاةِ يَبْلُغُ الْعَبْدُ إِلَى الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا لِأَنَّ الصَّلَاةَ تَسْبِيحٌ وَ تَهْلِيلٌ وَ
تَحْمِيدٌ وَ تَكْبِيرٌ وَ تَمَجِيدٌ وَ تَقْدِيسٌ وَ قَوْلٌ وَ دَعْوَةٌ

به وسیله نماز بنده به درجه عالی و مقام والای می رسد، زیرا نماز تسبیح و تهلیل و تحمید و تکبیر و تمجید و تقدیس الهی است، نماز قول حق و دعوت به سوی حق می باشد.

بحار الانوار، ج ۸۲ ص ۲۳۲ | جامع احادیث الشیعه، ج ۴، ص ۲۲



ملا محمد محسن فیض کاشانی غزل شماره ۴۴

ای در هوای وصل تو گسترده جانها، بالها
تو در دل ما بوده‌ای، در جستجو ما سالها
ای از فروغ طلعتت تابی فتاده در جهان
وی از نهیب هیبتت در ملک جان زلزله‌ها
ای ساکنان کوی تو مست از شراب بیخودی
وی عاشقان روی تو فارغ زقیل و قالها
سرها ز تو پر غلغله، جانها ز تو پر ولوله
تنها ز تو در زلزله دلها ز تو در حالها
تن میکند از جان طرب جان دارد از جانان طرب
بر مقتضای روحها جنبش کند تمثالها
کردی تجلی بی نقاب تابانتر از صد آفتاب
ما را فکندی در حجاب از ابر استدلالها
آثار خود کردی عیان در گلشن حسن بتان
تا سوی حسن بی نشان جانها گشاید بالها
دادی بتانرا آب و رنگ در سینه دل مانند سنگ
در شستشان دام بلا از زلف و خط و خالها
مارا ندادی صبر و تاب و زما گرفتی رنگ و آب
و زبیدلان جستی حساب از ذره و مثقالها
ای فیض بس کند زین انین در صنع صانع را بین
تا آن زمین کز این زمین افتد برون اثقالها

ارث زوجه از اموال شوهر متوفی

مطابق قانون سابق نحوه ارث بردن زن از اموال شوهر متوفی بدین گونه بود که زن از کلیه اموال منقول و در مورد اموال غیر منقول فقط از قیمت اعیان (بنای خانه و درخت) ارث می برد و از قیمت عرصه (زمین) ارثی به زن تعلق نمی گرفت. به طور مثال تصور کنید اگر متوفی (شوهر) دارای یک خانه حیاط دار قدیمی بود، زن فقط از قیمت بنای خانه و درختان موجود در آن ارث می برد و از قیمت زمین سهمی نداشت. این قانون پابرجا بود تا اینکه در سال ۱۳۸۷ این قانون اصلاح گردید و به موجب آن اکنون زن از کلیه اموال منقول و از قیمت اموال غیرمنقول اعم از عرصه و اعیان ارث می برد، بنابراین با اصلاح صورت گرفته زن از قیمت زمین نیز ارث می برد. میزان ارث زوجه بدین گونه است که اگر متوفی (شوهر) دارای فرزند باشد سهم زوجه یک هشتم اموال می باشد و اگر متوفی فرزند نداشته باشد سهم زوجه یک چهارم اموال خواهد بود.

متن ماده ۶۴۹ قانون مدنی (اصلاحی مصوب ۱۳۸۷/۱۱/۶):

زوج از تمام اموال زوجه ارث می برد و زوجه در صورت فرزند دار بودن زوج یک هشتم از عین اموال منقول^۱ و یک هشتم از قیمت اموال غیرمنقول^۲ اعم از عرصه و اعیان ارث می برد در صورتی که زوج هیچ فرزندی نداشته باشد سهم زوجه یک چهارم از کلیه اموال به ترتیب فوق می باشد.

تنظیم: فرهاد رجبی راد

۱) مال منقول: مالی است که قابل نقل و انتقال و جابجایی باشد مانند اثاث خانه، خودرو و هر چیز قابل نقل دیگر.

۲) مال غیرمنقول: مالی است که قابلیت نقل و انتقال نداشته باشد مانند زمین

استدلال: تمسک فکری است به چیزی که اندیشه را به چیز دیگر راهنمایی می کند.

استرداد: در لغت به معنی بازپس گرفتن است.

استشهاد: دعوت به شهادت در ورقه عادی یا رسمی را گویند

استعفاء: عملی که به موجب آن شخصی که در موسسه دولتی یا ملتی یا وابسته به دولت سمتی را دارا می باشد تقاضای ترک آن سمت را می نماید.

استیفاء: استفاده از کار یا مال دیگری با رضای او

ضامن: متعهد در عقد ضمان را گویند.

طلب: تعهدی که بر ذمه شخصی به نفع کسی وجود دارد.

قرارداد: عقود عهدی و تکمیلی و مالی و غیر مالی و معوض و غیر معوض است.

قرض: عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین عقد مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک می کند که طرف او مثل آن را از حیث مقدار و جنس و وصف رد نماید.

وصیت: اعمال حقوق مدنی از طریق استخلاف

وکالت: عقدی است که به موجب آن، شخص به دیگری اختیار انجام عملی را به نام و به نفع خود می دهد وکالت دهنده را موکل و وکالت گیرنده را وکیل نامند.

تنظیم: علی بیژن ایرانی

شهر خوب، شهروند خوب



مؤلف دکتر غلامحسین عدالتی

می گویند روزی سقراط حکیم بر در دروازه شهری نشسته بود. شخصی به او رسید و گفت: من ساکن فلان شهر هستم و پس از سال ها تصمیم گرفته ام شهر خودم را عوض کنم و به شهر دیگری کوچ کنم به نظر شما این شهر برای مهاجرت چگونه شهری است؟

سقراط از آن شخص می پرسد: اهالی شهر شما چگونه مردمی هستند؟ او می گوید: مردمی هستند بدبین و زورگو که در امانت خیانت می کنند و نسبت به هم نامهربان و بیگانه هستند.

سقراط می گوید: اهالی این شهر نیز این چنین مردمی هستند و آن شخص را از مهاجرت به آن شهر منع می کند.

در روزهای بعد، که سقراط در همان محل نشسته بود شخص دیگری به سقراط مراجعه می کند و می گوید علاقمند است که به این شهر مهاجرت کند. سقراط همان سوال قبلی خود را تکرار می کند و می پرسد: به نظرت اهالی شهر خود چگونه مردمی هستند؟

آن شخص می گوید: مردمی صمیمی، مهربان، امانتدار و باداینت. سقراط می گوید: اهالی این شهر هم این گونه اند و آن شخص را تشویق می کند که به آن شهر مهاجرت کند.

رفتارها و نگرشهای هر شهروندی در سرنوشت آن شهر دخالت دارد. شهروندی که خود را عضوی از خانواده بزرگ شهری میداند و تلاش می کند همواره وظایف شهروندی را به خوبی انجام دهد باعث می شود رفتارهای شهروندی و اجتماعی شده در دیگران نیز پرورش یابد. مطالعات نشان میدهد که شهروندان مسئولیت پذیر و آشنا به حقوق شهروندی خود به خود بوجود نمی آید، بلکه در اثر آموزش مهارتهای زندگی جمعی و تحت آشنایی با فرهنگ شهرنشینی اهالی می آموزند، چگونه در یک شهر زندگی کنند، چگونه حریم خصوصی دیگران را محترم بشمارند و در نهایت چگونه در اداره یک شهر مشارکت نمایند.

گردآورنده: نرگس طاهری

حکایت هنبوی و ضحاک

ملک زاده ای گفت: شنیدم که در زمان ضحاک ستمگر که دو مار از کتف او بیرون آمده بود و هر روز جوانی می گرفتند و از مغز سرش غذایی برای آن دو مار می ساختند، زنی بود به نام هنبوی، روزی قرعه بر پسر و شوهر و برادر او افتاد و هر سه نفر را دستگیر کردند تا مغز سر آنها را به ماران بدهند.

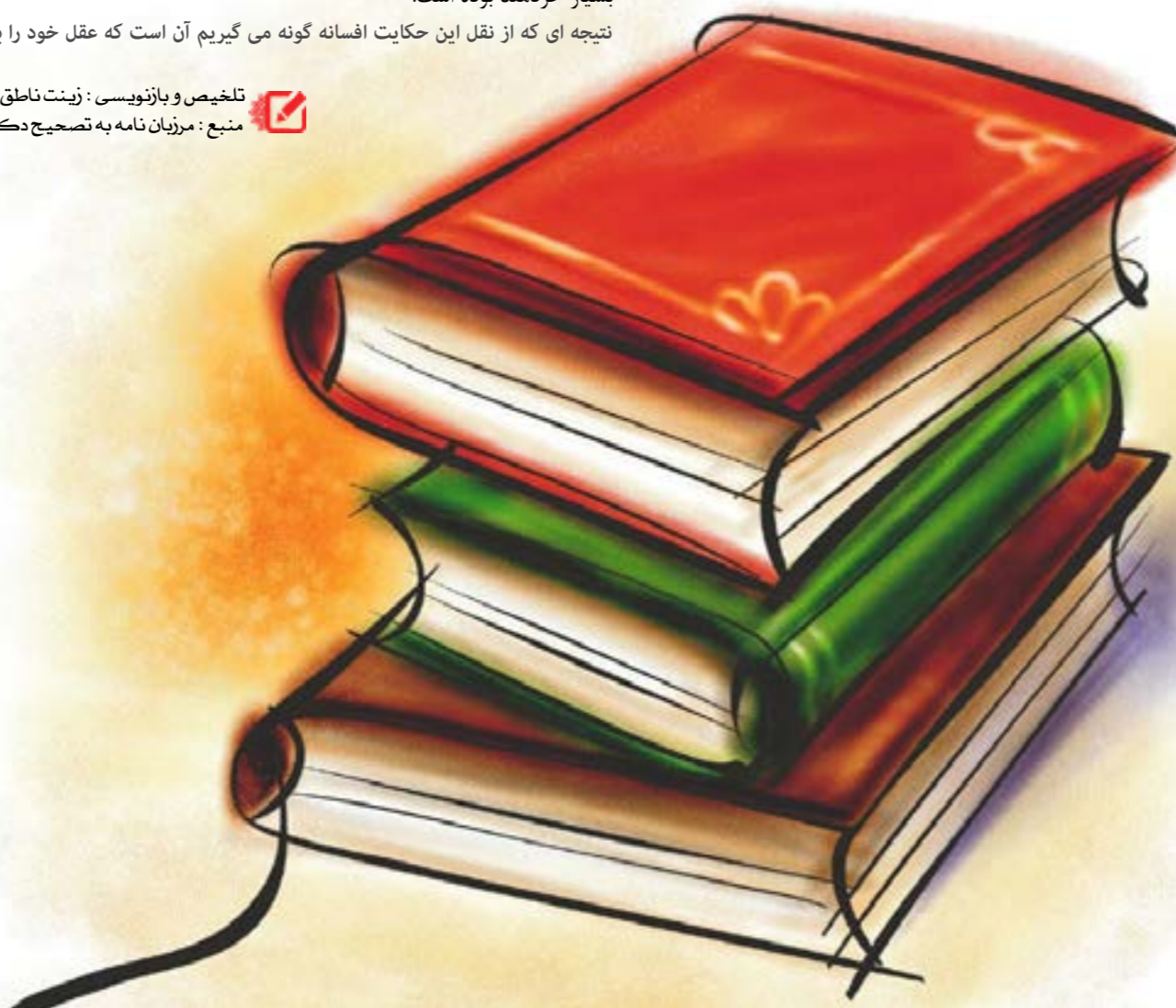
آن زن به درگاه ضحاک رفت و از شاه دادخواهی کرد چنانچه دیگر زنان انجام می دادند و به ضحاک گفت چگونه این ظلم به سه نفر از مردان خانه ی من رسید؟ ضحاک شنید و دستور داد که او را مخیرکنند تا یکی از این سه مرد را طبق اختیار زن از کشتن معاف کنند و به او برگردانند. هنبوی را به درزندان بردند، اول چشمش بر شوهرش افتاد، مهر انس و الفت و همراهی در وجودش جنبید و شفقت ازدواج و همسر بودن با او، وی را تحت تاثیر قرارداد، می خواست او را انتخاب کند که چشمش به پسرش افتاد نزدیک بود که چنگ در جگر خویش زند و پسر را از این مهلکه برهاند. ناگهان برادرش را دید که اسیر و گرفتار زندان است، سرش را پایین انداخت و اشک خونین بر چهره اش روان شد، باخود اندیشید که هرچند که درحیرت و سرگردانی رفته ام اما چه کنم که نمی توانم پیوند برادری را قطع کنم. که گفته اند: بر بی بدل چگونه گزیند کسی بدل؟

زیرا که زنی جوان هستم و می توانم شوهر دیگری پیدا کنم و همچنین می توانم فرزند دیگری از او به دنیا بیاورم و آتش فراق او را با فرزند دیگر خاموش کنم و زهر مرگ را با پادزهر فرزند دیگر می توانم درمان کنم ولیکن برای من ممکن نیست که از پدر و مادری که مرده اند برادر دیگری بوجود آید تا به او مهربانی کنم. بناچار طمع از فرزند و شوهر برید و برادرش را انتخاب کرد و او را از زندان آزاد کرد.

وقتی این حکایت به گوش ضحاک رسید دستور داد که فرزند و شوهرش را هم به هنبوی ببخشند زیرا که این زن بسیار خردمند بوده است.

نتیجه ای که از نقل این حکایت افسانه گونه می گیریم آن است که عقل خود را برعواطف و احساس خود مقدم کنیم.

تلخیص و بازنویسی: زینت ناطق پور- کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی
منبع: مرزبان نامه به تصحیح دکتر خطیب رهبر - صص ۵۰-۵۲



مرگ تولدی دیگر یا پایان زندگی!..

امروز خیلی خسته شدم کار خیلی زیاد بود وقتی اومدم دوستم زنگ زد خواست با هم بیرون برویم اومدیم زیر درخت توی حیاط روی سکوی کنار باغچه نشستیم، یک دفعه متوجه صدای خنده یک بچه شدم، به دوستم گفتم صدای بچه می آید.گفت : آره همسایه جدید است که یک پسر بچه کوچک بانمک داره.گفتم پسر بچه ! نه بابا من با پسر بچه ها هیچ وقت نتوانستم ارتباط برقرار کنم چون همیشه لگد می زنند. پسر کوچولوی ما اومد تو حیاط، تقریباً یک سال و نیم به نظر می رسید صورتی سفید و دوست داشتنی و لطیف با لپه‌های آویزون داشت، شیطونک خیلی ناز بود ، احساس کردم که چقدر دوستش دارم . عصرها هر وقت می رفتم خونه دوستم توی حیاط باهاش بازی می کردیم ، با شیرین زبانی هایش تفریح و سرگرمی ما شده بود، یک مهر عجیبی از اون در قلبم افتاده بود یک روز نمی دیدمش دل‌م برایش تنگ می شد. اما نمیدانستم که دست روزگار سرنوشت اونو با من گره خواهد زد. خیلی باهاش انس گرفتم. خلاصه بهراد کوچولوی قصه ما شد سه ساله ، هوای سرد باعث شده بود که ما کمتر اونو ببینیم چون زود سرما می خورد نمی آمد بیرون یا وقتی می آمد از بس پوشیده بود مثل یک پنگوین کوچک راه میرفت. در این هوای سرد با دوستم رفتیم برویم .توی راه بهم گفت که: یک اتفاقی افتاده ، تحمل داری بهت بگم ، یک لحظه قلبم ریخت گفتم چی شده؟ گفت: ناراحت نمیشی، گفتم نه!گفت: بهراد مریض است .گفتم: نگران نباش بخاطر هوای سرد است و اون هم که میدونی همیشه زود سرما میخورد. پرید وسط حرفم و گفت: ای کاش این بود! گفتم چی شده؟ زودتر بگو دل‌م ریخت. گفت: سرطان داره؟ سرطان خون! یک لحظه به خودم اومدم دستام یخ کرده بود.گفتم: سر به سرم نگذار. گفت: به خدا راست می گم و من روی جدول کنار خیابان نشستم. گفتم چرا اون؟؟؟ دوستم نفهمید چی گفتم؟ قلبم گرفت .به دوستم گفتم برویم خونه ، نمیتوانم راه بروم انگار جانم داره از تنم میره. گفت: کاش بهت نگفته بودم، همه میدونستند که من اونو چقدر دوست دارم. رفتم خونه مامانم گفتم: چرا رنگت پریده گفتم حالم خیلی بد است،نمیخواستم بگویم چی شده؟ شاید دروغ باشه! دکترها اشتباه کرده باشند ! شاید بهراد خوب بشه و اینقد شاید با خودم گفتم که نگو. مادرم دل‌داری ام داد وگفت: بعضی سرطانی ها خوب می شوند نگران نباش. برایش دعا می کنیم، شبها در نماز شب برایش دعا کن. از اون به بعد اذان به اذان دعا کردم. شب و روزه شده بود دعای برای سلامتی اون.و دوستم همش از اون بهم خبر میداد، خبرها هیچکدام خوشایند نبودند. طاقت دیدنش را نداشتم. پسر سفید قصه زندگی

من موهای طلایی زیبایش را تراشیدند،نمیتوانست راه برود، عزیزدلم دلش دوچرخه سواری میخواست اما پاهایش جان نداشت که رکاب بزنه. این حرفها مثل یک چاقویی روی شیشه احساس من بود. یک شب توی راه پله ها دیدمش با چشمهای قشنگش بهم خیره شده بود. نگاهش پر از حرف بود،بوی فراق و جدایی میداد. دوستم گفت: نگران نباش تازه از بیمارستان مرخص شده، دکترها کمیسیون گذاشتند که پاهایش را قطع کنند. اما نگذاشته گفته میخوام دوچرخه سواری کنم، نمیگذارم این کار را بکنید حتی اگر بمیرم. اون شب در نماز مغرب کلی دعا کردم از خدا خواستم دعایم رو مستجاب کنه. من سلامت بهراد را میخواستم. چند روزی گذشت دیگه کسی بهم نمی گفت بهراد چه وضعیتی داره؟ هر بار از دوستم می پرسیدم میگفت: داره شیمی درمانی میشه . صبح روز موعود دل‌م بدجوری شور میزد. زنگ زدم بدوستم که برویم بیرون اما سر کوچه قرار گذاشت تعجب کردم. دل‌م مثل مرغی که از قفس می خواهد آزاد بشه هوای پرواز داشت. خواهرم اومد و فکر کرد که ماجرا را میدونم. گفت: راستی یک خبر جدید؟ وقتی گفت یک خبر جدید احساس کردم شاید این همان خبری باشه که من از صبح منتظرش هستم! گفتم چه خبری؟ گفت بهراد مرد ! شوک شدم. دویدم سمت تلفن به دوستم زنگ زدم. گفتم راسته؟گفت چی؟ گفتم میدونم . فقط بگو راسته؟گفت: بله راسته و دوتایی باهم زدیم زیر گریه، توی حیاط بوی غریبی حاکم بود ، فضای سخت غمناک ، هنوز خانواده اش از بیمارستان نیامده بودند، داشتم خفه می شدم ،رفتم خونه دوستم و دوتایی شروع کردیم صحبت کردن از شیرین زبانی هایش ، صورت زیبایش ، راه رفتنش ، صحبت کردنش ، عشوه های قشنگش ، غرور مردانه اش ، انگار یک جوری داشتیم با مرور خاطرات گذشته خودمان را زجر می دادیم. حالم خوب نبود میخواستم بروم بخوابم شاید وقتی بیدار شدم اینها همه خواب بوده باشد، شاید فردا صبح بیایند و بگویند بهراد زنده شده شاید . . . میخواستم با شایداها خودم رو گول بزنم. خواهرم رفت که برایم آب قند بیاره و من رفتم روی تخت دراز کشیدم با خیال شفای بهراد چشمانم را بستم . وقتی چشمانم را باز کردم که دیدم قادر نیستم حرف بزنم منو بردند بیمارستان .دکتر کشیک شب اومد بالای سرم ، چهره مهربانی داشت شروع کرد باهام حرف زدن که دخترم چی شده؟ اتفاقی افتاده؟ لحن صدایش آرامش می داد نمیدانم چرا احساس می کردم اون میتونه بهم کمک کنه! اما نمیتوانستم جوابش را بدهم انگار استخوان در گلویم گیر کرده بود. صدایش را می شنیدم که به مادرم و پدرم میگفت یا امشب حرف می زنه یا تا آخر عمرش لال میشه . دکتر اومد سراغم . لحنش عوض

شد و اون دکتر مهربان چند دقیقه پیش خشن شده بود . بهم گفت میخوام دردناکترین آمپول دنیا را بهت بزنم میدونی چیه؟ و من فقط نگاهش میکردم گفت پنی سیلین نه ! پنادور ! نه! میخوام از دستت تزریق کنم نمیدونی که چقدر درد داره! دل‌م میخواست بزنم توی گوشش اما قادر نبودم تکان بخورم . صدایش از پشت پرده می اومد، داشت میگفت بدجوری بهش شوک وارد شده ! شاید مجبورباشیم تا صبح برایش وقت بگذاریم. به دستیارش، گفت امید به خدا ! شروع می کنیم ، خدا کمکمان میکنه و بسم الله الرحمن الرحیم گفت و پرده را زد کنار و و به همکارش گفت ضخیم ترین سرنگ را بیار! انگار یک جلاذ اومده بود بالای سرم ، سرنگ را آوردند و شروع کرد در وصفش حرف زدن ! قادر نبودم پلک بزنم و سرنگ را زد توی دستم اما خون لخته شده بود و به سرنگ وارد نمیشد. به دستیارش گفت که تلاش کن دوباره سرنگ را بزن همان جایی که زدی ! وقتی زد خیلی دردم آمدش و یک صدای خفیفی از گلویم درآمد. گفت دوباره بزن همان جای قبلی ! و بار سوم من جیغ کشیدم و گریه کردم خیلی زیاد . دکتر خدا رو شکر کرد و به دستیارش گفت: کنارش باش اون الان از من خیلی عصبانیه. صدای پدر و مادرم می اومد که پشت در نگران بودند. دکتر رفت بهشون گفت: نگران نباشید . یک لحظه احساس کردم که آنجا اتاق زایمان است و من بار دیگر متولد شدم و دکتر خبر تولدم را میگه. نمیدانم چرا اون لحظه این احساس بهم دست داد ، بعدها فهمیدم که من بار دیگر متولد شدم اما با نگاهی دیگر به دنیا و مرگ. دستیارش که خانمی مهربان بود اومد گفت نگران نباش دخترم ، همیشه دنیا اینجوری بوده !خسته بودم میخواستم بخوابم. خودم رو زدم به خواب اما بیدار بودم با یک دنیا سوال؟؟ سوالهای زیادی که ذهنم را مشغول کرده بود . پنج شنبه آمد صبح شد دوباره خورشید طلوع کرد اما بهراد نه زنده شد و نه آمد ..ساعتها گذشت انگار زمان هم میخواست مرا بازی دهد ، دو روز گذشت اما او نیامد!!! چرا بهراد ؟ چرا یک پسر کوچک؟ چرا کسی که از دنیا هیچ درکی نداشت؟ حتی سواد نداشت بنویسد دنیا؟؟ از مرگ هم درکی نداشت؟ حتی نمیدانست زندگی چه طعمی دارد؟ نمیتوانم باور کنم که کودکیا هم می میرند ! آیا کودک ها هم می میرند؟ آیا کسانیکه دوستشان داری هم می میرند؟ از خدا پرسیدم که چرا ؟؟؟؟ چرا یک کودک که فهمی از زندگی نداره باید بمیره ؟ کودکی که تمام آرزویش از دنیا فقط دوچرخه سواری بود ! مگه جای کسی را در دنیا تنگ کرده بود که اونو بردی! کودکی که تمام نقاشی اش از دنیا فقط کوه و خورشید و ابر و درخت و رودخانه بود! بهش

گفتم باید خودت جوابم را بدهی؟ فقط خودت! . با یک دنیا سوال خوابم برد. در خواب دیدم دو مرد آمدند و مرا به زور سوار اسبی کردند و به باغی بردند دوباغ در کنار هم باغ اول با زمین چمن و شمشادهای خیلی سبز دورش، اما دارای لکه های سیاه . پرسیدم که چرا لکه های سیاه در آن است گفتند : کلمه الله هی العلیا من که نفهمیدم چی گفتند ولی فهمیدم که در مورد خداوند بود. به باغ دوم رفتم دیدم اون هم چمن داره و دور تا دورش شمشاد. اما دورش یک شاخه های سر به فلک کشیده بود که سایه انداخته بودش روی چمنهای باغ، دستی بزرگ از پشت شمشادها اومد بیرون با گوی سفید بزرگی . در گوی هر دو باغ را نشان میداد. صدایی آمد از بالای بالای بالا از لابلای برگها ، که گفت: من کلم به جزء . به جزء نگاه نکن که از کل غافل بشی ، تصویر باغ در گوی جزء است، اما این باغی که در آن هستی کل است. تو جزء را نگاه می کنی و از کل غافل هستی. با صدای خودم از خواب بیدار شدم ! دوباره صبح شده بود یعنی چی؟ اون کل است به جزء. آره جوابم را داد. اما نمیدانستم یعنی چی؟ خانواده ام به استادم زنگ زدند و گفتند که چه اتفاقی برایم افتاده است. اون هم زنگ زد و گفت: دخترم بیا با هم صحبت کنیم . بهش گفتم: حوصله ندارم میخوام تنها باشم . اما اون خیلی اصرار کرد و من مجبور شدم بروم . رفتم نزد استادم ! خوابم را برایش گفتم، اون هم بهم گفت که خداوند جوابت را داده دیگه دنبال چی هستی؟ و مرگ را تشبیه کرد به زندگی دو قلوها در شکم مادر که یکی از آنها بدنیا می آید و دیگری که در شکم مادر است برایش گریه می کند فکر می کند که مرده است برایش هفتم و چهلم می گیرد گمان می برد که او رفت و نیست شد، اما نمیداند که او متولد شد به فراخنای عظیم آخرت. آری ای دوست! دنیای ما همان باغ است در گوی سفید کوچک اما حکمت و تدبیر او کل بهنه خلقت را فرا گرفته . هیچ برگی از درختی نمی افتد مگر اینکه در راه کمال است . من با بهراد آشنا شدم اما برای هدفی بالاتر و آن هم این بود که بفهمم هیچ چیز در عالم نیست مگر اینکه مرگ را تجربه می کند ، مرگ یک تولد است ، تولد به عالمی دیگر به نزد خدایی مهربانتر از مادر . زندگی کوتاه او برای من درس بزرگی بود، دیگر مرگ برای من تشییع جنازه ، غسلخانه ، قبر ، مراسم و عزاداری نیست. نگاه من به مرگ متفاوت شده است . هر بار که عزیزی از میان ما رخت بر می بندد یاد جواب سوالم می افتم و با خودم می گویم:

او کل است به جزء ، کل نفس ذائقه الموت و می گویم: پروازت را تبریک می گویم ، منزل جدید مبارک باشد

مؤلف : زهرا شریف کاظمی



شکاف نسل ها

متأسفانه، سرعت و شتاب جوامع در مسیر توسعه یافتگی، باعث شده که آنچه از آن به عنوان فرهنگ و رسوم یاد می شود، به فراموشی سپرده شود و همین امر منجر به ایجاد شکاف عمیق "بین نسلی" شده است. دور افتادن نسل امروز از عقاید و افکار نسل گذشته، پایه های خانواده های سنتی و اصیل را متزلزل کرده. موضوع دیگر اینکه، سیر تحول جامعه روبه پیشرفت است و نسل های نوبا یک نگاه آرمان گرایانه به جامعه و مسائل نگاه می کنند، راه کارهای جدید را راحت می پذیرند و به دنبالش هستند. در حالی که نسل های قبلی در مقطعی قراردارند که یک نگرش محافظه کارانه در رفتار آنان شکل گرفته و خود به خود یک نسل مدافع و حافظ همه چیز می شود و یک نسل می خواهد آن را تغییر دهد و بهتر آن را ارائه دهد و این خود باعث تفاوت دیدگاه ها و نگرش می شود. جوانان با اظهار بی علاقتی و حتی گاهی اوقات انزجار نسبت به هرگونه تشابه میان خود و زندگی والدینشان، به دنبال یافتن ارزشها و اصول و شیوه زندگی نوینی هستند که بتواند هیجانات و نیازهای جدید آنها را پاسخ گوید.

حال به مؤلفه های تشخیص شکاف نسلها می پردازیم:

۱) کاهش ارتباط کلامی

یکی از مؤلفه های تشخیص بروز شکاف نسلها، کاهش و یا حتی از بین رفتن ارتباط کلامی یا گفتگو میان نسل گذشته با نسل جدید است. ارتباط کلامی، یکی از انواع ارتباط های مؤثر و رایج در مناسبات انسانی است. ارتباطی که متکی بر تفاهم و صمیمیت باشد، دنیای درونی دو نسل را به یکدیگر پیوند می دهد. اما اگر ارتباط کلامی میان این دو نسل کم باشد و این امر به طور مستمر و مداوم عمیق تر شود، تا حد زیادی بیانگر جدایی نسل گذشته با نسل جوان است و این امر زمانی برطرف می شود که یکی از طرفین ابتکار عمل را به دست بگیرد و روند گفتگو را با موفقیت تداوم ببخشد. موضوع پیشرفت تکنولوژیهای نوین ارتباطی همچون اینترنت، ماهواره، بازیهای رایانه ای و... نیز می تواند عاملی در کاهش ارتباط کلامی باشد، چرا که امروزه خانواده ها دیگر مانند گذشته دور یکدیگر جمع نمی شوند و هر یک از اعضای خانواده به خصوص نوجوانان و جوانان، مشغول فعالیت و یا پر کردن اوقات فراغت خود با این وسایل هستند و کمتر با والدین خود ارتباط کلامی برقرار می نمایند.

۲) اختلال در فرآیند همانند سازی

الگو پذیری نسل جدید از نسل گذشته دچار مشکل شده است. در زمانهای دورتر، دو نسل متواتر از یکدیگر الگوبرداری می کردند؛ یعنی جوانان، والدین را الگوی خود قرار می دادند و همانند آنها عمل می کردند و از تجربیات ارزشمند والدین استفاده می جستند. ولی امروزه جوانان، دیگر مانند گذشته این کار را انجام نمی دهند؛ زیرا والدین خود را عقب تر از زمان حال می دانند و آرایه نقطه نظرات و پیشنهادهای آنان را قبول ندارند، لذا به سراغ شخصیت های دیگر که از طریق اینترنت، ماهواره و... معرفی می شوند، می روند و راه آنها را برای آینده خود انتخاب می کنند.

۳) بی تعهدی به فرهنگ خودی

پیشرفت فناوریهای نوین و گسترش وسایل ارتباط جمعی در جامعه، موجب شده است که فرهنگها از مرزهای جغرافیایی کشورها فراتر رفته و بر فرهنگ دیگر کشورها تاثیر بگذارند. بنابراین با دور شدن دو نسل از یکدیگر، دیگر نسل گذشته نمی تواند فرهنگ اصیل خود را به نسل بعدی منتقل نماید و نسل جدید به سمت و سوی فرهنگ بیگانه سوق پیدا می کند و هیچ گونه تعهدی نسبت به فرهنگ خودی از خود نشان نمی دهد.

۴) نداشتن درک متقابل دو نسل از یکدیگر

نداشتن درک متقابل دو نسل از یکدیگر موجب می شود که نسل جدید دیگر به پند و نصیحت های نسل گذشته اعتنایی نکرده و نسل جدید این نصیحت ها را تاریخ گذشته دانسته و راه چاره را در مشورت با غیرخانواده جستجو کند که این موضوع می تواند خطرناک و عاملی برای بروز ناهنجاریهای اجتماعی باشد.

از دیگر مولفه های تشخیص شکاف نسلها، نابرداری و نداشتن تحمل یا سعه صدر در مقابل لغزشها و خطاهای نسل جدید است. نسل جدید مانند هر نسلی دارای خطا و لغزش است؛ اما نسل گذشته که حافظه ای کوتاه مدت دارد و گذشته خود را به یاد نمی آورد، نمی تواند لغزش را امری طبیعی بداند و آن را قبول کند. این امر باعث نداشتن تحمل در مقابل لغزشها شده و هر لغزش کوچکی غیرقابل تحمل و شاید غیرقابل بخشش می شود. نپذیرفتن و نابرداری و نداشتن تحمل این مسائل، موجب شکاف و نیز سکوت و بی تفاوتی می گردد. سکوت و بی تفاوتی در مقابل خطاها هم به اندازه پرخاشها و بی صبری کردن با اهمیت است؛ برای اینکه حساسیت را در نسل جدید از بین می برد که می تواند این موضوع خطرناک باشد.

گردآورنده: فرهاد رجبی

طرز تهیه شکلات زندگی

زندگی، زیباترین هدیه خدای مهربان است و انسان‌هایی که این هدیه زیبا را قدر می‌دانند، آنچنان در صحنه زندگی، شادی و نشاط می‌آفرینند که هر لحظه زندگیشان مملو از خاطره‌های زیبا خواهد بود. راز و رمز شیرین زندگی کردن، خیلی سخت نیست؛ فقط می‌بایست بدانیم چگونه زندگی کنیم و از این هدیه الهی چگونه لذت ببریم. آری مشکل‌ها و ناکامی‌های مسیر زندگی، مواد خام “شکلات زندگی” هستند. زندگی ما همواره با مشکل‌ها و سختی‌ها معنا پیدا می‌کند و ما آمده‌ایم تا مسائل زندگی را حل کنیم و لذا حل مسئله‌ها و مشکل‌ها را بچشیم. از مشکل‌ها و رنج‌های زندگی نهراسیم و با اقتدار در میدان زندگی وارد شویم و اینگونه از مشکل‌ها و ناکامی‌های مسیر، بهترین شکلات زندگیمان را تهیه کنیم و از طعم آن لذت ببریم.

برای تهیه “شکلات زندگی” می‌بایست به نکته‌های مهم و دستورات عمل زیر به‌طور دقیق توجه داشت تا طعم “شکلات زندگی”، دلچسب همه اطرافیانمان باشد.

باور کنیم که بهترین تهیه‌کننده شکلات زندگی هستیم:

انسان‌هایی که فعالیت و امورشان را با نگرش و باورهای بسیار مثبت آغاز می‌کنند، دستاوردهای مثبتی به‌دست می‌آورند. آنان چون اعتقاد دارند که موفق می‌شوند، پس به‌طور قطع به پیروزی می‌رسند انساهای برنده، ابتدا در ذهن خود برنده می‌شوند و سپس این پیروزی و موفقیت را در صحنه زندگی نمایان می‌سازند. برندگان همیشه مثبت می‌اندیشند و از ناملایمت‌های مسیر، هراسی ندارند و با اعتقادی راسخ، نگاهی متعالی به اطراف خود دارند. آری برای خلق یک زندگی عالی و مطلوب، می‌بایست باور داشته باشیم که توانایی آفریدن زیباترین زندگی را داریم؛ سپس با این باور زیبا، شیرین‌ترین لحظه‌ها را برای خود و اطرافیان مهیا سازیم.

از کاه کوه نسازیم

برای تهیه شکلات زندگی می‌بایست تجربه کسب کنیم بنابراین اگر عزممان را جزم کرده‌ایم تا زندگی شیرینی را رقم زنیم، می‌بایست از اشتباه‌های گذشته، اندوهگین و محزون نباشیم و ناکامی‌های گذشته را در ذهنمان مرور نکرده و بی‌جهت از کاه کوه نسازیم. انسان‌های موفق، فقط از گذشته درس می‌گیرند و در زمان حال زندگی می‌کنند و همواره آینده‌ای زیبا را در ذهنشان ترسیم می‌نمایند. راز شاد زیستن، صبر و شکیبایی است. برای لذت بردن از زندگی، می‌بایست برای اتفاق‌هایی که هنوز رخ نداده است، نگران نباشیم. “دیل کارنگی”، روانشناس، می‌گوید: “۹۸ درصد نگرانی‌های مردم برای چیزهایی است که هنوز اتفاق نیفتاده است.” پس بیاییم با توکل به خدای مهربان، در فراز و نشیب‌های زندگی با صبر و حوصله به انتظار زیباترین و خوشمزه‌ترین لحظه‌های ناب زندگی باشیم و از اکنون لذت ببریم و از گذشته عبرت بگیریم و آینده‌ای زیبا را تصور نمائیم.

تدبیر و تفکر

زندگی با تدبیر و تفکر زیبا می‌شود. برای هر اقدامی، فکر کنیم و فکرهايمان را در روی برگه‌ای سفید بنویسیم و چندین بار تفکرهای خود را مرور کنیم. انسان‌هایی می‌توانند لحظه‌های شیرینی در زندگیشان خلق نمایند که زمانی آن لحظه را تصویر و برای آن تدبیر نموده باشند. تفکر، راه‌های بی‌شماری را برای رسیدن به موفقیت در مسیر انسان قرار می‌دهد و انسان‌هان هوشمند علاوه بر اینکه خود می‌اندیشند، از تجربه‌ها و فکرهای انسان‌های دیگر نیز استفاده می‌کنند و میانبرهای رسیدن به موفقیت و زیبایی را کشف می‌نمایند. اندیشیدن، انسان‌ها را رشد می‌دهد و آنان را از مسیرهای بحرانی، به سلامت عبور می‌دهد و راه‌های آرامش و نشاط را برای آنان به ارمغان می‌آورد. هر روز، دقایقی را در خلوت برای اندیشیدن قرار دهیم و آنچه را که پس از تفکر، تدبیر و مشورت با انسان‌های صادق به‌دست می‌آوریم، با اقتدار در صحنه زندگی جاری نمایم.

منتظر خبرهای خوب باشیم

انتظار، زیباترین مفهوم زندگی است. انسان‌هایی که در انتظار خوبی‌ها می‌نشینند، خوبی‌ها را به‌دست می‌آورند؛ چرا که انسان‌ها، جذب‌کننده انتظارهایشان می‌باشند. در این عالم، قانونی وجود دارد به نام “قانون افزایش”. این قانون، بیان‌کننده این مفهوم است: “هر چیزی که حرفش را بیشتر بزنی و به آن بیشتر بیندیشی، برای تو محقق می‌شود” مواظب باشیم برای تحقق یک زندگی شیرین، منتظر تلخ‌کامی‌ها و شکست‌ها نباشیم و هر روز صبح که از خواب بیدار می‌شویم، پس از یک مناجات عارفانه، منتظر خیر و برکت‌های بیکران در زندگی باشیم و چه زیبا “پیامبر اکرم (ص)” فرموده‌اند که: “مشکل را کتمان کنید تا روزیتان زیاد شود” همواره سعی کنیم با دوربین ذهنمان، زیبایی‌ها را ببینیم و صحنه‌های جذاب زندگی را شکار کنیم. از مهربانی‌ها و عطوفت‌ها بگوئیم و همواره شاکر خدای مهربان باشیم تا برکت‌ها و نعمت‌های الهی برایمان گسترده شود.

توکل به خدای مهربان:

قرآن مجید می‌فرماید: به درستی اوست که می‌خنداند و می‌گریاند. انسان‌هایی که با یک ارتباط عاشقانه و عارفانه با توکل به خالق هستی در مسیر زندگی تلاش می‌نمایند، همواره مورد حمایت حضرت حق تعالی قرار می‌گیرند و به آرامشی عمیق دست می‌یابند. ساختن یک زندگی ایده‌آل، بدون خدا ممکن نیست و انسان‌هایی که به دنبال شیرینی و حلاوت در زندگی می‌گردند، می‌بایست خدا را در متن زندگیشان جاری نمایند و هر تفکر و اقدامی را بر مبنای اطاعت او قرار دهند تا شادی و نشاط حقیقی نصیبشان گردد. خداوند به انسان‌هایی که او را اطاعت می‌کنند و یاری می‌رسانند، وعده یاری و حمایت داده است.

منبع: مجله شادکامی و موفقیت
تنظیم: رویا مالکی

یادمان باشد هر چقدر برای تهیه “شکلات زندگی” دقت و تلاش کنیم، طعم این شکلات، خوشمزه‌تر می‌شود و اعضاء خانواده‌مان از آن لذت بیشتری می‌برند.



شبه نیرو چیست؟

در علم مکانیک و فیزیک، برای بررسی نیروهای وارد بر یک جسم (مثلا نیروی وارد بر یک ذره در دستگاه سانتریفیوژ)، باید ابتدا دستگاه مرجع مشخص شود! یعنی مشخص کنیم که این نیروها نسبت به کدام ناظر، بیان می شوند! مثلا برای یک هواپیمای در حال پرواز، مسافران در داخل آن، حرکت هواپیما را حس نمیکنند (با این فرض که هواپیما هیچ تکانی نداشته باشد و پنجره ها مات باشند تا کسی از طریق دیدن ابرها، حرکت هواپیما را متوجه نشود!) اما فردی که بیرون از هواپیماست می بیند که هواپیما دارد حرکت می کند! از طرفی می دانیم که طبق قانون اول نیوتن اجسام تمایل دارند که حرکت خود بر مسیر مستقیم را حفظ کنند و طبق قانون دوم نیوتن، تا به جسمی نیرویی وارد نشود، امکان ندارد شتاب بگیرد!

حال فرض کنید هواپیما در یک مسیر مستقیم بخواهد سرعت خود را افزایش دهد. ناظر روی زمین می بیند که هواپیما (به همراه مجموعه مسافران) به دلیل نیروی پیشرانش هواپیما در حال شتاب گرفتن است و تمام مشخصات حرکت، به راحتی توسط معادلات حرکت برآمده از قوانین نیوتن، محاسبه می شود. اما برای ناظر داخل هواپیما چطور؟! مسافر داخل هواپیما خود را ساکن می بیند! پس چه چیزی در معادله حرکت اضافه شده که شتاب حاصل از این معادله صفر شده است. برای درک بهتر خود را به جای آن مسافر بگذارید: به محض شتاب گرفتن هواپیما به سمت جلو شما نیرویی احساس خواهید کرد که شما را به سمت عقب هل داده و به صدلی می چسباند. این نیرو که توسط ناظر زمینی مشاهده نمی شود، همان چیزی است که شبه نیرو نامیده می شود. بنابراین با اضافه کردن این نیرو مجازی، هیچ تناقضی در معادله حرکت نیوتن رخ نمیدهد و شتاب حاصله از این معادله صفر خواهد شد (یعنی دقیقا همان شتابی که یک مسافر می بیند). در واقع علت تعریف این نیرو نیز همان بوده ناظر ایستاده روی زمین تعریف شده را که برای ناظر بدون شتاب (مثل مسافر درون هواپیما) نیز تعمیم داد.

✍ نویسنده: ابولقاسم مصیبی
کارشناس ارشد فیزیک دانشگاه تهران



گردآورنده: سعید حاتمى خواه

فلش کارت ۵۰۴

فلش کارت، مجموعه ای از کارت هاست، که حاوی اطلاعاتی از جنس عدد یا کلمات در یک یا هر دو طرفشان هستند. از این کارتها برای به خاطر سپردن کلمات یا فرمول ها، یا هر چیز به خاطر سپردنی دیگری استفاده می شود. فلش کارتها از فرآیند یادآوری فعال (Active Recall) برای به خاطر سپردن استفاده می کنند و از قرن نوزدهم برای یادگیری زبان و ریاضی و موسیقی مورد استفاده قرار گرفته اند. برنامه کاربردی فلش کارت، محصول شرکت تدبیرگستران بهینه ساز است. این برنامه با الهام و استفاده از بهترین برنامه های دنیا، برای به خاطر سپردن نکات مختلف درسی و غیر درسی، با استفاده از تکنیک فلش کارت و G5 تهیه شده است.

شما میتوانید از طریق QR Code روبرو فایل را به صورت مستقیم بر روی تلفن همراه خود دریافت کنید.



عصر خودرو

با توجه به رشد استفاده از تلفن های هوشمند، اپلیکیشن «عصرخودرو» نیز برای گوشی های اندروید و آیفون به سفارش پایگاه خبری عصر خودرو توسط شرکت تدبیرگستران بهینه ساز، طراحی و تولید شد.

هدف از تولید این برنامه کاربردی، اطلاع رسانی در حوزه خودرو و ارائه خدمات متنوع از جمله قیمت انواع خودروها، ارائه مشخصات فنی و مقایسه خودروها از جهات مختلف با یکدیگر می باشد.

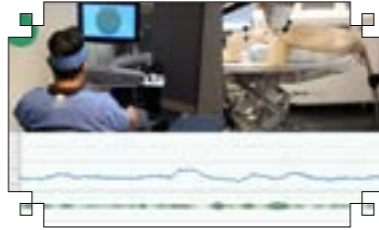
شرکت تدبیرگستران بهینه ساز به عنوان پیشرو تولید اپلیکیشن های موبایل و تلویزیون های هوشمند در ایران با تولید بیش از ۷۰ برنامه کاربردی سهم قابل توجهی از این بازار را در ایران در اختیار دارد.

شما میتوانید از طریق QR Code زیر فایل را به صورت مستقیم بر روی تلفن همراه خود دریافت کنید.



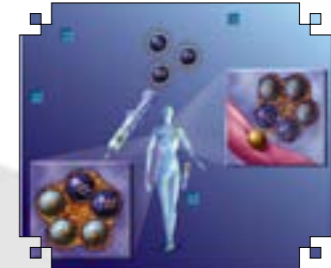
مهمترین دستاوردهای علمی در سال ۲۰۱۳

دانشمندان موفق شدند برای اولین بار بین مغز بشر با یک موجود زنده ارتباط برقرار کنند. آنها توانستند با استفاده از کامپیوتر علائم عصبی مغز بشر را به ذهن موش صحرایی منتقل کنند و باعث شوند موش دم خود را تکان دهد.

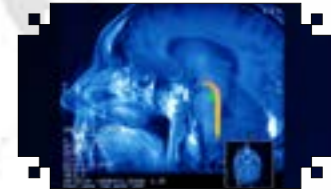


مریخ نورد کیوریوسیتی شواهد قابل توجهی از وجود آب و دریاچه در میلیون‌ها سال قبل به زمین مخابره کرد. این مریخ نورد علائمی از وجود باکتری نیز در مریخ یافته است. به این ترتیب در سال ۲۰۱۳ شواهد معتبری از وجود حیات مادی در منظومه شمسی در جایی بغیر از زمین بدست آمد.

"ایمنی‌درمانی" سرطان را نشریه معتبر "ساینس" بعنوان بزرگترین دستاورد علمی-پزشکی سال ۲۰۱۳ معرفی کرده است. در این روش برخلاف گذشته که هدف درمان نابودی تومور بود، اساس درمان تقویت سیستم ایمنی است برای اینکه خود به تومور حمله کند. در آزمایشی موفق، سلول‌های T (نوعی گلبول سفید) مبتلایان به لنفوم را از خون آنها جدا کردند و با تغییری ژنتیکی به آنها این توانایی را دادند تا با تشخیص نوعی پروتئین که فقط در سلول‌های سرطانی یافت می‌شود به آنها حمله کنند. از موارد دیگر می‌توان به تلاش برای ساخت واکسن سرطان مغز اشاره کرد.



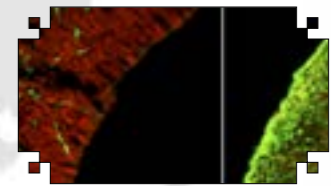
تحقیقات نشان داده که مغز از خواب برای خانه‌تکانی استفاده می‌کند، در زمان خواب راه‌های بین سلول‌های عصبی بزرگتر می‌شوند بنابراین مایع مغزی نخاعی بیشتر جریان پیدا می‌کند و به این ترتیب مواد زائد از مغز پاک می‌شوند.



اخترشناسان تخمین زده‌اند ۲۲ درصد ستارگان شبیه خورشید در کهکشان راه شیری می‌توانند سیاره‌های قابل سکونت به اندازه زمین در مدار خود داشته باشند. به این ترتیب دو میلیارد سیاره می‌توانند در این کهکشان میزبان حیات مادی باشند و نزدیکترین آنها ۱۲ سال نوری با زمین فاصله دارد.



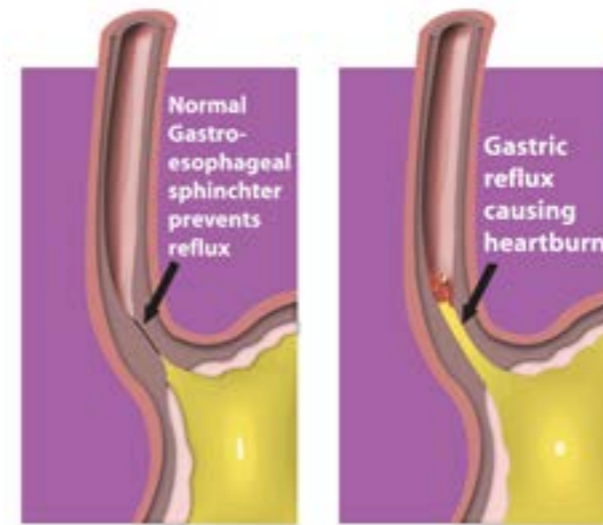
محققان در سال ۲۰۱۳ موفق شدند با سلول‌های بنیادی جنینی، بافت‌های مختلف مثل کبد، کلیه و مغز را در آزمایشگاه پرورش دهند. این "اندام‌واره‌ها" امید زیادی را برای تولید بافت‌های بدن در آزمایشگاه ایجاد کرده است. عکس سمت چپ مغز موش است که در آزمایشگاه تولید شده در مقایسه با مغز طبیعی (راست). سلول‌های بنیادی به رنگ قرمز و سلول‌های عصبی سبزرنگ هستند و مشخص است که بافت عصبی مغز که با بیوتکنولوژی تولید شده شباهت بسیاری به بافت طبیعی دارد.



2013

رفلاکس در بزرگسالان و کودکان

به برگشتن اسید معده به مری یا دهان رفلاکس می گویند. این حالت در نوزادان، کودکان و بزرگسالان کاملاً طبیعی بوده و در بیشتر موارد آسیبی به فرد وارد نمی سازد و حالات آزاردهنده زود برطرف می شود. در بدن تمام ما غذا از راه لوله مری به معده می رسد، در قسمت انتهایی مری دریچه ای وجود دارد که با رسیدن غذا به آن باز شده تا اجازه ورود غذا به معده را بدهد و پس از عبور غذا بسته می شود. حال اگر این دریچه به طور کامل بسته نشود مقداری از محتویات معده به مری یا دهان باز میگردد و این محتوات اسیدی میتواند باعث آسیب به بافت مری و دهان، بروز التهاب و در موارد شدید حتی بروز آسم شود.



علائم و نشانه های رفلاکس:

در کودکانی که در سنین قبل از مدرسه هستند، علائم شامل کاهش وزن، تهوع، احساس وجود غذا در دهان یا گلو، ترش کردن و عدم تمایل به غذا که بیشتر به علت بروز درد اتفاق می افتد می باشد و در کودکان دیگر و بزرگسالان مهمترین علامت ها عبارتند از: احساس اسید در گلو، تهوع، درد یا سوزش سردل، احساس ناخوشایندی یا درد حین بلع و احساس چسبندگی غذا به لوله گوارش پس از بلع.

دردها معمولاً پس از وعده های غذایی اتفاق می افتند و ممکن است فرد را از خواب بیدار کنند. این دردها با استرس یا حالت دراز کش بدتر شده و می توانند از دقایق تا ساعتها به طول انجامند.

درمان رفلاکس:

تغییر سبک زندگی: این قسمت یکی از مهم ترین مباحث در رفلاکس است که حتی می توانند به اندازه داروها در بزرگسالان مؤثر بوده و در کودکان در موارد خفیف، متوسط و گاهی شدید تنها درمان بیماری در نظر گرفته می شوند.

اجتناب از مصرف برخی غذاهای خاص: برخی غذاها شامل کافئین، شکلات، فلفل، نوشیدنیهای اسیدی مثلاً کولا و آب پرتقال و همچنین غذاهای پرچرب مثل پیتزا و سیب زمینی سرخ شده میتوانند باعث تشدید رفلاکس شوند و لذا باید از مصرف آنها اجتناب کرد.

بالا بردن سر به اندازه ۲-۵ سانتی متر بالاتر از سطح بدن به هنگام خواب میتواند در کاهش رفلاکس و سوزش سر دل بسیار مؤثر باشد.

کاهش وزن: این مورد بیشتر از افرادی که شاخص جرمی بدنی ۲۳ یا بیشتر دارند به اصطلاح چاق هستند کمک کننده خواهد بود.

اجتناب از مصرف تنباکو: مصرف تنباکو و یا بودن در کنار افرادی که تنباکو مصرف میکنند میتواند منجر به بدتر شدن رفلاکس شود.

- اجتناب از دراز کشیدن بلافاصله بعد از صرف غذا
- جویدن آدامس: این کار با تحریک ترشح بزاق میتواند به بهبود رفلاکس کمک کند، هر چند در کودکان زیر ۴ سال جویدن آدامس توصیه نمیشود.

دارودرمانی:

به طور کلی ۳ دسته دارویی عمده در درمان رفلاکس کمک کننده هستند. دسته اول که به مهارکننده پمپ پروتون معروف هستند ترشح اسید در معده را بلاک می کنند. معروفترین مثال های این دسته امپرازول و پنتوپرازول هستند که می توانند با این مکانیسم به کنترل رفلاکس کمک می کنند این داروها باید ۳-۴ دقیقه قبل از صبحانه مصرف شوند و معمولاً پس از ۲-۴ هفته از شروع درمان اثرات درمانی ظاهر می شود. دسته دوم مهارکننده های هیستامین هستند که باعث کاهش ترشح اسید معده می شوند. معروفترین مثال های این دسته رانیتیدین و فاموتیدین هستند که البته اثربخشی این دسته کمتر از دسته اول است. دسته سوم داروهای آنتی اسید هستند این داروها تنها به عنوان درمان مقطعی و کوتاه مدت توصیه می شوند و اثربخشی بسیار کمتری نسبت به دو دسته اول در کنترل رفلاکس دارند. مهم ترین مثال های این دسته آلومینیوم هیدروکساید و منیزیم هیدروکساید است.

- چه زمانی مراجعه به پزشک ضروری است؟
- در صورت تهوع تکرار شونده بخصوص اگر همراه با خون یا کاهش وزن شدید باشد.
 - سوزش سر دل تکرار شونده یا درد در قسمت بالای قفسه سینه و گلو.
 - درد یا ناراحتی هنگام بلع.
 - مشکلات تنفسی اخیر مثل خس خس سینه و سرفه های مزمن.

گردآوری: دکتر نسیم حکیمی ها

خواص انار

نام فارسی: انار

نام علمی: Punica granatum

نام عمومی: Pomegranate

نام عربی: رمان

درخت انار از جمله درختانی است که تمامی بخش های آن از ریشه، پوست تنه، گل و میوه، مصرف درمانی دارد؛ به عنوان مثال پوست ریشه آن در تهیه داروی ضد کرم مصرف بسیار دارد. همچنین از عصاره انار در تهیه شربت اشتهاآور جهت تقویت اشتها بیماران استفاده می شود.

در ایران، شهرستان های نیریز، ساوه و فردوس، به ترتیب بزرگترین تولیدکنندگان انار هستند.

این میوه دارای دو نوع بژی و بستانی بوده و بهترین آن بستانی شیرین بی دانه است که املسی نامند لطیف تر از سایر اقسام است و بهترین آن رسیده بزرگ دانه شاداب آنست

دارای طبیعت سرد و خشک می باشد

افعال و قوا در طب سنتی ایران:

انار به دلیل داشتن پروتد در کنار قبض، سبب تقویت عضو و موجب ممانعت از قبول ریزش مواد به سوی عضو می شود و از آنجا که اقسام انار در قوت پروتد و قبض مختلف هستند در بروز تقویت عضو نیز دارای درجات مختلف هستند.

انار شیرین:

۱- دارای غذاییت کم و تولید کننده خون خوب و باز کننده مجاری و موجب لینت مزاج می شود

۲- خوردن آن بعد از غذا در گرم مزاجان موجب عبور غذا از معده خواهد شد و در هضم غذا کمک کننده است.

۳- جهت تصفیه کبدی و تقویت کبد مفید است.

۴- فربه کننده بدن و موجب نفوذ غذا در بدن است

۵- باعث رفع خارش و موجب نیکویی رنگ رخسار است.

۶- قفاخ است و به همین سبب در محرورین باعث نعوظ گردد.

رمان حامض (ترش):

۱- به سبب قدرت نفوذ خود هم به عنوان مفتح عمل می کند و همین قدرت نفوذ در کنار اثر جالی بودن انار موجب جلای وجه از چرکمی گردد

۲- قابض و مسکن لهیب و حرارت معده و کبد گرم و غلیان خون و صفرا است.

۳- مانع ریزش مواد به معده و مدر ادرار است

۴- جهت منع صعود بخار به مغز و چون بعد از طعام بخورند مانع صعود بخار است به دماغ.

کاربردها در طب نوین:

انار دارای خواص آنتی اکسیدانی است و پژوهشها نشان داده اند که اثرات آنتی اکسیدانی آن بیشتر از آب سیب و ۲-۳ برابر چای سبز است. افزون بر آن، منبع خوبی از انواع ویتامین ها از جمله ویتامین A، C، E و اسید فولیک است. آب انار در مقایسه با سایر آب میوه ها دارای بالاترین اثرات آنتی اکسیدانی است.

اثرات در سیستم قلبی-عروقی: یکی از علل ایجاد روند آتروژنز در دیواره عروق ایجاد صدمات اکسیداتیو در ساختار LDL می باشد که به دنبال آن آبخاری از تغییرات در ساختار مولکول های چربی خون منجر به تشکیل پلاک در دیواره عروق می گردد همچنین نیتریک اکساید (NO) یکی از مهم ترین فاکتورهای طبیعی دفاعی بدن در مقابله با بیماری های قلبی-عروقی است که به دنبال اکسیداسیون LDL تولید آن نیز کاهش می یابد انار با داشتن خاصیت آنتی اکسیدانی خود باعث کاهش اکسیداسیون LDL و همچنین کاهش اثرات مخرب استرس های اکسیداتیو بر ماکروفاژها و مانع تشکیل پلاک در دیواره عروق می گردد.

• اثرات آنتی کانسر: احتمال اثرات مفید آب انار در بهبود روند درمان بیماری سرطان عنوان شده که می تواند به نقش ترکیبات آب انار در کاهش متاستاز سلول های سرطانی وابسته باشد. - اختلالات معده: پوست و برگ انار برای بهبود مشکلات معده و برخی انواع اسهال مفید است. انار در بهبود هضم نیز مؤثر است و آب آن نیز در بهبود اسهال خونی تأثیر خوبی داشته است.

• مراقبت از دندان: یکی از خاصیت های انار این است که آب آن، همراه با داشتن خاصیت ضدباکتریایی و ضدویروسی، به کاهش اثرات پلاک های دندانی نیز کمک می کند.

• کم خونی: مصرف این میوه با فراهم آوردن آهن برای بدن، به کاهش علائم کم خونی مانند خستگی، سرگیجه و ضعف کمک می کند.

• انار احتمال تولد نوزاد نارس را کاهش می دهد و به علاوه به مادرانی که منتظر تولد کودکشان هستند کمک می کند تا نوزادی با وزن متعادل به دنیا بیاورند.

متوسط مواد مغذی موجود در هر ۱۰۰ گرم انار

انرژی ۸۳ کیلوکالری | کربوهیدرات ۱۸٫۷ g | قند ۱۳٫۷g

فیبر غذایی ۴g | چربی ۱٫۲g | پروتئین ۱٫۷g

تیامین ۰٫۰۷mg | ریوفلاوین ۰٫۰۵mg | نیاسین ۰٫۲۹mg

پانتوتینیک اسید ۰٫۳۸mg | ویتامین B6 ۰٫۰۸mg

ویتامین C ۱۰mg | کلسیم ۱۰mg | آهن ۰٫۳۰mg

منیزیوم ۱۲mg | فسفر ۳۶mg | پتاسیم ۲۳۶mg

روی ۰٫۳۵mg

گردآوری: دکتر نسیم حکیمی ها



طرز تهیه سوسیس و کالباس خانگی

مواد لازم برای تهیه کالباس:

- گوشت چرخ کرده مخلوط گوسفند و گوساله و یا ران مرغ به تنهایی ۳۷۵ گرم
- آب و یخ پودر شده ۶۰ میلی لیتر
- تخم مرغ ۱ عدد
- نمک ۱۰ گرم تقریباً ۲ ق چ سرخالی
- شکر ۲ گرم ۲/۱ ق چ
- شیر خشک ۵ گرم ۲/۱ ق س
- نشاسته پودر ۲۰ گرم ۱/۱ ق س
- فلفل سیاه پودر شده ۲ گرم ۳/۱ ق چ یا به مقدار دلخواه
- پودر پیاز یا پودر سیر ۲/۵ گرم ۲/۱ ق چ یا به دلخواه کمی بیشتر
- پودر زنجبیل ۱ گرم ۴/۱ ق چ
- پودر تخم رازیانه ۱ گرم ۴/۱ ق چ
- روغن مایع ۳۰ میلی لیتر ۲ ق س
- فلفل قرمز در صورت تمایل به هر اندازه که بخواهید
- پودر تخم شنبلله ۱ گرم ۴/۱ ق چ
- پسته، فلفل پاپریکا، زیتون سبز بدون هسته، هویج و قارچ برای داخل کالباس به دلخواه و به مقدار دلخواه مورد استفاده قرار دهید.

طرز تهیه:

ابتدا گوشت یا مرغ چرخ کرده خود را به مدت ۱ ساعت داخل فریزر بگذارید تا کمی یخ بزند. اکنون گوشت یا مرغ را که حالت یخ‌مکی دارد را در یک ظرف بگذارید و ورز دهید تا کاملاً چسبندگی پیدا کند. سپس نمک را اضافه کنید و به خوبی آن را ورز دهید. سپس ۳۰ میلی لیتر از آب و یخ پودر شده را داخل گوشت ریخته و مجدداً آنقدر ورز دهید تا به خورد گوشت برود. در ادامه تخم مرغ را اضافه کنید و ورز دهید. پس از این مرحله روغن و باقی آب یخ را اضافه کنید و آنقدر ورز دهید تا گوشت خودش را بگیرد. در مرحله آخر تمام مواد خشک و ادویه‌ها را بریزید و به خوبی مخلوط کرده و ورز دهید. تمام مراحل فوق را می‌توانید با میکسر یا غذا ساز انجام دهید. اگر از مواد اضافه مانند پسته و فلفل یا... استفاده می‌کنید زمانی درون مایه بریزید که مخلوط کردن شما تمام شده و از داخل غذا ساز به ظرف دیگر منتقل کرده اید و یا آخر ورز دادن با دست به ظرف اضافه کنید.

مرحله دوم

بعد از میکس کردن گوشت و مخلوط کردن آن با فلفل پاپریکا و پسته یک تکه فویل بزرگ را بر روی میز یا سطح کارتان باز کنید. گوشت را روی قسمت بالای آن قرار دهید و با دست چرب شده آن را به صورت رول شکل دهید. کوچک یا بزرگ دست خودتان است. سپس گوشت را با فویل رول کنید و محکم بپیچید و سر آن را مانند شکلات بپیچید و محکم کنید. رولهای آماده را داخل بخار پز بگذارید و ۱/۳۰ ساعت بپزید و یا میتوانید بر روی گاز با یک آبکش بخار پز درست کنید و رولها را بپزید. بعد پخت رولها را داخل کیسه فریزر بگذارید و مقدار زیادی یخ خرد شده روی آن بریزید تا کالباسها خنک شوند. سپس آنها را داخل یخچال بگذارید ۲۴ ساعت بماند و بعد رول را باز کنید و برش دهید.

مواد لازم برای تهیه سوسیس:

- سینه مرغ ۲ عدد کامل
- نان تست ۲ تا ۳ عدد
- خامه ۲۰۰ گرم، اگر مایل بودید کم چرب باشه، میتوانید از ماست چکیده هم استفاده کنید
- سفیده تخم مرغ ۳ عدد
- نمک، فلفل
- سیر ۲ حبه کوچک
- چند قاشق شیر
- ادویه تند

طرز تهیه:

ابتدا گوشه‌های اضافه و سیاه نان رو میگیرد، و نانها رو با چند قاشق شیر خوب خیس میکنید، مقدار شیری که احتیاج دارید فقط برای خیس کردن نانها میباشد
گوشت مرغ را تکه کرده و همراه با همه مواد نام برده خوب میکس میکنید، جوری که مثل خمیر بشه
روی سطح صافی یک نایلون سلفون پهن میکنید، میتونید زیر ۴ طرف سلفون رو خیس کنید تا هنگام کار حرکت نکنه
من خمیر رو داخل یک نایلون معمولی ریختم، شما میتونید از کیف یا هر چیز شبیه استفاده کنید
سر نایلون رو بریدم، فقط دقت کنید که به پهنای مثل سوسیس‌های آماده احتیاج دارد که سر نایلون رو ببرید

از ابتدای نایلون سلفون به صورت ۱ خط منظم، مواد رودرازی ۲۰ تا ۲۵ سانت خالی میکنید و نایلون رو با دقت لول میکنید مثل کاغذ شکلات و ۲ طرف کار رو خوب میگیرد تا هوای اضافه خارج شه.

در انتها ۲ طرف رو گره میزنید، فقط دقت کنید که هوایی بین کارتون نباشه.

بعد از لول کردن سوسیس‌ها اونها رو با کمک نخ یا هر چیز مثل اون به قسمتهای مساوی تقسیم کنید، به این صورت سوسیس‌های کوچیک و لقمه‌ای خواهید داشت.

آب رو جوش بیارید و سوسیس‌ها رو داخل آب قرار بدید، مدت زمان کوتاهی احتیاج هست که سوسیس‌ها آماده شه، چیزی حدود ۱۰ تا ۱۵ دقیقه بعد از آماده شدن اونها رو از نایلون در بیارید و سرخ کنید و نوش جان کنید.

نکات مهم

دقت کنید که برای منسجم شدن کالباس رول‌ها را محکم بپیچید و سر آنها را هم خوب و محکم بپیچید. آب و یخ پودری را میتوانید با گوشت کوب برقی درست کنید و یا آب را بگذارید داخل فریزر و به مرحله یخ زدن که رسید بیرون بیاورید و هم بزنید و دوباره داخل فریزر بگذارید تا یک حالت آب و یخ درست شود.

در مرحله ورز دادن اگر دیدید مایه کمی شل است میتوانید کمی نشاسته یا آرد اضافه کنید.

باز هم قابل ذکر است که ادویه‌ها و مقدار آن میتواند به میل شما باشد

گرددآورنده: رزا قوام‌بختیار



۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
										۱
										۲
										۳
										۴
										۵
										۶
										۷
										۸
										۹
										۱۰
										۱۱
										۱۲
										۱۳
										۱۴
										۱۵
										۱۶

افقی:

- ۱ | نرمخوی - کسی که به رایانه دیگران نفوذ می کند.
- ۲ | نوار مغناطیسی - خجالتی
- ۳ | حاصل تلاقی دو رود - یک در میان
- ۴ | طایفه ای در غرب ایران - از وسایل جنگی در قدیم - ریشه
- ۵ | از مصالح ساختمان پر مصرف - مکر و ریا
- ۶ | نارس - تیره و کدر
- ۷ | ضمیر وزنی - جان و روح
- ۸ | عطوفت و مهربانی - جمع آداب
- ۹ | مهپا و ترس - گشاده - بیماری جگرسوز
- ۱۰ | سنگ آسمانی - از وسایل ژیمناستیک
- ۱۱ | حرف فاصله - امپراطور خون خوار رُم
- ۱۲ | نوعی جلد کتاب
- ۱۳ | معروف
- ۱۴ | شمارنده مصرف انرژی - علامت مفعولی
- ۱۵ | اشاره به دور - ترد و تو خالی
- ۱۶ | نویسنده کتاب آدم آدم است

عمودی

- ۱ | نیمه دیوانه - میوه ای ترش که هندی آن معروف است - موتور عجول - دانش مکتوب
- ۲ | اختلال در برنامه رایانه - خاک سرخ - خالص و سره - تخم مرغ فرنگی - یکی از دو جنس
- ۳ | از درختان جنگلی - اولین رقم - برملا - قلعه حکومتی
- ۴ | توسعه و وسعت دادن - ضمیر جمع - پاره ای از یک چیز - رنگ
- ۵ | گوشت ترکی - پدر رستم - بخشی از اوستا
- ۶ | ایمن ترین وسیله حمل و نقل بین شهری - ته نشین مواد معلق در مایعات - گهواره سنتی
- ۷ | مظهر چسبندگی - حمام بخار - نقش
- ۸ | نام هوایمایی ایران - تبار و سلسله - از حیوانات خانگی - پوشش بدن پرندگان
- ۹ | فرشتگان - خوشحالی - شیوه و طریق
- ۱۰ | نوعی پوشش برای حجاب - کسی که دارای لکنت زبان است - وسیله ای برای نمایش احجام در مقیاس کوچک

اسامی برندگان شماره قبلی:

- ۱ - نسرین فدایی
- ۲ - عباسعلی ایراندوست
- ۳ - احمد ایراندوست
- ۴ - عباس محرابی نژاد
- ۵ - مرضیه سادات هاشمی
- ۶ - فهیمه نژاد فلاطوری مقدم

۵- پوکی استخوان - فسفات ها با pH بالا مانع جذب کلسیم و احتمالاً ابتلا به پوکی استخوان را افزایش می دهد.

۶- فقر آهن - سوسیس و کالباس دارای از ارزش غذایی پایینی بوده، لذا ویتامین و املاح مورد نیاز بدن را تعمین نخواهد کرد. کودکان و نوجوانانی با مصرف این مواد غذایی به همراه نوشابه دچار کمبود آهن، روی، سرب، کلسیم و انواع ویتامین ها بخصوص ویتامین «د» می شوند. کم خونی ناشی از کمبود آهن، اثرات غیر قابل جبرانی بر رشد و تکامل مغزی کودک داشته و موجب کاهش ضریب هوشی، همچنین ضعف و خستگی، کاهش قدرت یادگیری و افت تحصیلی در نوجوانان را ایجاد خواهد کرد.

نکات بهداشتی هنگام خرید و مصرف سوسیس و کالباس

۱- پوشش مناسب محصول (بسته بندی مناسب با پوست براق و بدون حباب هوا، پاره یا چروکیده)

۲- پس از پخته شدن کاهش حجم ندهند و نباید دارای لکه های تیره و سبز رنگ و حالت کپک داشته باشند.

۳- فاقد گلوتن (gluten) باشند (فاقد خرده نان، پودرسیب زمینی و برنج و درصد گوشت در فرآورده بیشتر باشد). این سوسیس و کالباس ها ایجاد حساسیت نکرده و هر قدر درصد گوشت در فرآورده بیشتر باشد، مرغوبیت آن نیز بالاتر خواهد بود.

۵- درمیزان مصرف این فرآورده های گوشتی زیاده روی نکنید. به توصیه پزشکان، میزان مصرف یکبار در ماه.

۶- توجه به تاریخ تولید و انقضا، علامت استاندارد، پروانه بهداشت محصول و خرید از مراکز معتبر.

گرذآورنده: رزاقوام بختیار

سوسیس و کالباس، یکی از نمونه های مواد غذایی است که در عین خوشمزه گی و پرفرمداری بسیاری از متخصصان تغذیه، به مضرات مصرف این نوع مواد غذایی اشاره می کنند. متأسفانه تمام محصولات موجود در بازار در کارخانه های نام آور تولید نمی شوند، تولید کنندگان زیر پله ای و قاچاق در بازار محصولات خود را با قیمت ارزان وارد بازار می کنند و در اختیار ساندویچی ها قرار می دهند موادی که حاصله اش، خمیر مرغ از امحا و احشای زائد مرغ می باشد.

خطرات سوسیس و کالباس برای بدن

۱- ایجاد فشار خون و دیابت - مقدار بالای نمک، موجبات سکنه مغزی و حمله قلبی را فراهم می کند.

۲- مضر برای پوست - وجود ادویه، مواد رنگی و افزودنی، کهیر و تشدید کننده برخی بیماری های پوستی و همچنین ادویه های تند آن باعث انقباض شدید مژگانه و شب ادراری می شود.

۳- مصرف بیش از حد مواد افزودنی ابتلا به بیماری های ژنتیکی را افزایش می دهد.

۴- سرطان معده، روده و مژگانه برای حفظ وضع ظاهری، طبیعی جلوه دادن رنگ کالباس و سوسیس (رنگ های صورتی و قرمز) و نگهدارندگی بیشتر، کارخانه ها از موادی مانند فسفات، نیترات، نمک، چربی و... که برای سلامت بدن مضر می باشند استفاده می کنند. نیترات پس از وارد شدن به دستگاه گوارش به نیتريت و نیتروز آمین تبدیل شده و ایجاد سرطان معده، روده و تومورهای بدخیم را ممکن میسازد. به همین خاطر معمولاً ویتامین C را به فرآورده اضافه می کنند تا از شکل گیری نیتروز آمین جلوگیری شود. مصرف سبزیجات و میوه های تازه موجب افزایش آنتی اکسیدان شده و احتمال بروز سرطان را کاهش می دهد.



هفت‌سنگ ویژه‌نامه

سلام

بعد از چاپ دومین شماره از نشریه جامع، پیش خودمون گفتیم مگر این نشریه، قرار نیست جامع باشه و متناسب با افراد مختلف، مطلب داشته باشه؟! مگر فقط قراره نشریه برای پدر و مادرها باشه؟! پس بچه‌ها چی؟! این شد که جرعه "سرویس نوجوان" زده شد! بعدش با خودمون فکر کردیم؛ حالا اگر قراره سرویس نوجوان داشته باشیم، خوب چقدر خوبه که مطالبش رو هم خود این بچه‌ها، انتخاب کنند! تمام این حرف‌ها منجر به این شد که اولین جلسه سرویس گروه نوجوان، حدود چهار ماه پیش با مهدی و مهرداد و پویا، برگزار بشه! چند وقتی هم هست که مکیب خوب مسجد، مازیار، به جمع ما اضافه شده. آقا مازیار ما، نفر اول از سمت راست هستش! نفر بعدی هم آقا مهدی هست! نفر سوم هم آقا مهرداد و نفر چهارم هم، آقا پویا است. مطالبی که در صفحات سرویس نوجوان آمده، ما حاصل تلاش دوستان است.



گروه ما به هیچ عنوان محدود نیست و مشتاق حضور دوستان جدید هستیم! لذا اگر شما هم دوست دارید فرزندتان تو این گروه فعالیت داشته باشه میتونید به ما پیام بفرستید. ممکن است فرزند شما توانایی سرودن شعر و یا علاقه به کشیدن نقاشی داشته باشه! و یا هر مطلب دیگر... این سرویس، با آغوش باز پذیرای مطالب شما خواهد بود. شما برای این کار کفایت از طریق پست الکترونیکی S.Hatamikhah@gmail.com با ما در ارتباط باشید.

منتظر شما هستیم

سعیدحاتمی‌خواه
مسئول سرویس نوجوان

داستانک

صبر ایوب...

لقب امام پنجم شیعیان، امام محمد باقر (علیه السلام)، «باقر» است. باقر یعنی شکافنده. به آن حضرت «باقر العلوم» می‌گفتند، یعنی شکافنده دانش‌ها. روزی مردی غیرمسلمان، به صورت مسخره کردن، کلمه «باقر» را «بقر» (به معنای گاو) تلفظ کرد. و به آن حضرت گفت: «انت بقر» یعنی تو گاوی!! امام (ع) بدون آن که از خود ناراحتی نشان بدهد و اظهار عصبانیت کند، با کمال سادگی گفت: «نه، من بقر نیستم من باقرم!»

مرد غیر مسلمان دوباره گفت: «تو پسر زنی هستی که آشپز بود». امام (ع) فرمود: «شغلش این بود، عار و ننگی که محسوب نمی‌شود!» آن مرد با بی‌حیایی، این بار گفت «مادرت سیاه و بی‌شرم و بد زبان بود» اما امام (ع) با صبری عجیب گفتند: «اگر این نسبت‌ها که به ما مادرم



می‌دهی راست است، خداوند او را بیمارزد و از گناهِش بگذرد، و اگر دروغ است، از گناه تو بگذرد که دروغ و تهمت می‌گویی.» دیدن این همه صبوری از مردی که قادر بود همه‌گونه موجبات آزار یک مرد خارج از دین اسلام را فراهم آورد، کافی بود تا تحولی در روحیه مرد غیر مسلمان ایجاد شود و او را به سوی اسلام بکشاند.

برگرفته از کتاب داستان ر استان شهید مطهری

علم و شگفتی‌های خلقت

استتار

در طبیعت قانونی وجود دارد به نام استتار. استتار یک راهبرد است که حیوانات برای مخفی ماندن از دید شکارچیان به کار می‌گیرند. برخی حیوانات برای استتار، از رنگ پوست خود بهره می‌گیرند، برخی برف را ترجیح می‌دهند و بسیاری از آنان نیز به شاخ و برگ درختان و علف‌های روی زمین پناه می‌آورند تا خود را از دید دشمنان مخفی کنند.

به عکس‌های زیر توجه کنید!



میتونید حدس بزنید تو عکس زیر کدوم حیوان، خودش رو مخفی کرده؟! درست حدس زدید! اون یک ماره که اینقدر ماهرانه استتار کرده!



خبر ویژه



آغاز فعالیت‌های گروه نوجوان مسجد جامع شهرک غرب

روز دوشنبه، ۱۸ آذر، اتفاق بسیار مبارکی، در مسجد جامع شهرک غرب، شکل گرفت! و آن آغاز رسمی فعالیت‌های گروه نوجوان مسجد جامع، با حضور آقای دکتر ابوالفضل، استاد و قاری بین‌المللی قرآن کریم، پس از حدود یک دهه توقف بود.

گروه نوجوان مسجد جامع شهرک، اولین فعالیت خود را، با محوریت قرآن قرار داده است تا انشاءالله به برکت قرآن و حضور اساتید توانمند، و با شور عزیزان نوجوان، شاهد گسترده شدن فعالیت‌های علمی، فرهنگی، ورزشی، هنری و... باشیم. در حال حاضر جلسات گروه نوجوان مسجد جامع، روزهای دوشنبه و پنجشنبه، بعد از نماز مغرب و عشاء، برقرار است و از همه نوجوانان عزیز، برای حضور در این جلسات، دعوت می‌شود. راستی! طبق شنیده‌ها و دیده‌ها! با مساعدت هیئت محترم امنای مسجد، هدایای نفیسی برای نوجوانان، نیز تدارک دیده شده است!

گفتنی است؛ جناب آقای دکتر ابوالفضل، استاد و مدرس بین‌المللی قرآن کریم و عضو هیئت علمی دانشگاه، دارای مدرک دکترای حقوق از آمریکا و دکترای طب سنتی از هند، می‌باشند.

تنیس روی میز (پینگ پنگ)

بچه ها، دقت کردید تو خیلی از پارک ها که می رویم، معمولا در کنار وسایل بازی، میز پینگ پنگ هم هست! ولی چه جوری باید بازی کنیم؟! برای همین، ما در این شماره قصد داریم، نحوه بازی کردن پینگ پنگ یا همون تنیس روی میز را یاد بگیریم...

تنیس روی میز یا پینگ پنگ ورزشی است که روی میز انجام می شود و دو یا چهار بازیکن در آن شرکت دارند و هر بازیکن یک راکت دارد و به وسیله آن به توپ ضربه می زند. بنابراین برای بازی فقط نیاز به توپ و راکت و یک میز داریم!

چگونگی بازی:

ضربه اول، ضربه سرویس نام دارد و فرد شروع کننده باید ضربه سرویس را طوری بزند که توپ، اول تو زمین خودش، فرود آید و سپس وارد زمین حریف شود، ولی در ضربه های بعدی توپ باید فقط در نیمه زمین طرف مقابل به زمین بخورد. دو نیمه زمین با یک تور، از هم جدا شده اند. اگر توپ در زمین حریف فرود نیاید، یک امتیاز به حریف اضافه می شود و اگر توپ در زمین حریف فرود آید و پس از آن حریف نتواند توپ را به زمین طرف مقابل بزند یک امتیاز به فردی که ضربه را زده افزوده می شود.

اگر در ضربه اول (ضربه سرویس)، توپ پس از اینکه به زمین خورد، به تور بخورد و سپس در زمین حریف اصابت کند نت حساب میشود و فردی که آغازگر است باید دوباره ضربه را بزند و هیچ امتیازی برای کسی حساب نمی شود.

بازی از پنج گیم ۱۱ امتیازی تشکیل می شود. هر بازیکن یا زوجی که زودتر به امتیاز ۱۱ دست یابد، برنده گیم خواهد بود، مگر آنکه دو بازیکن و یا هر دو زوج به امتیاز مساوی ۱۰ دست یابند. در این صورت برنده، بازیکن یا زوجی خواهد بود که دو امتیاز پی در پی بیشتر از حریف خود کسب کند. اگر بخواهیم، این ورزش رو به صورت حرفه ای دنبال کنیم باید درباره منطقه های بازی، انواع راکت گیری، حرکت پاها، انواع ضربات و... هم یاد بگیریم و تمرین کنیم. بنابراین دوستان برای یادگیری بیشتر می توانید به سایت اینترنتی فدراسیون تنیس روی میز جمهوری اسلامی ایران، مراجعه کنید.



معماهای قرآنی

بچه ها اگر در یک روز گرم، که خیلی هم تشنه هستید، مادرتون بهتون یک لیوان شربت خنک خوشمزه بده، چقدر خوشحال می شوید؟! حالا، قرآن هم، هدیه ای است، از طرف خدای مهربان ما! تا به ما، راه خوب بودن و خوشبختی رو نشون بده. برای همین ما باید، کتاب قرآن رو بهترین دوست خودمون بدونیم و بیشتر با این دوست خوب، آشنا بشویم. هدف ما هم از این بخش همینها! شناخت بهترین دوستمون!

۱) می دانید کدام سوره است که یک آیه آن، ۳۱ بار تکرار شده است؟!؟

۲) راستی نام سوره ای که آیه الکرسی در آن آمده است را می دانید!!؟

۳) کدام سوره قرآن است که در تمام آیه های آن، نام خداوند با لفظ مبارکه «الله» آمده است؟!؟

۴) می دانید داستان معراج پیامبر عزیز اسلام، در کدام سوره آمده است؟!؟

۵) می دانید در کدام سوره از افراد عیب جو و مسخره کننده، به شدت انتقاد شده است؟!؟



۱ - الرحمن ۲ - بقره ۳ - مجادله ۴ - اسرا ۵ - همزه

بازی ریاضی

ریاضی دنیای بسیار شیرینی است! تو این دنیا همه چیز نظم و ترتیب داره! علم ریاضی همچون کسی که در دنبال گنج میگردد، دنبال کشف این نظم و ترتیب است! به مثال های زیر نگاه کنید...



قلقلک



غضنفر میره سینما می بینه چراغ ها خاموشه بر می گرده!

طرف میگه: حواستون باشه هیچ وقت گورل نخورین! من به بار گول خوردم، گولم تمام شد!!!

آرزوی جوجه تیغی می دونید چیه!!! دوست داره یک نفر برای یه لحظه هم که شده بغلش کنه!!!

آرزوی پاندا میدونین چیه!!! دوست داره بتونه عکس رنگی بگیره!!

آرزوی گوسفند میدونین چیه!!! دوست داره یه بار هم شده جلوی وانت بشینه!!

جادوی ۶۷×۶۷

به حاصل ضرب زیر توجه کنید، خودتون یه بار، حاصل ضرب ها رو امتحان کنید!

$$67 \times 67 = 4489$$

$$667 \times 667 = 444889$$

$$6667 \times 6667 = 44448889$$

$$66667 \times 66667 = 4444488889$$

$$666667 \times 666667 = 444444888889$$

$$6666667 \times 6666667 = 44444448888889$$

عدد ۱۰ رقمی!

عددی ۱۰ رقمی داریم که اولین رقم آن (از سمت چپ) نمایانگر تعداد صفرهای بکار رفته در عدد می باشد. رقم دوم آن، تعداد ۱ های بکار رفته در عدد را نشان می دهد. به همین ترتیب تا رقم دهم، که تعداد ۹ های بکار رفته در این عدد را نشان می دهد. آیا با داشتن این اطلاعات، می توانید عدد مورد نظر را حدس بزنید؟ مثلا این عدد رو نگاه کنید! ببینید با قاعده بیان شده، جور در می آید!!!

۶۲۱۰۰۰۱۰۰۰

جالبه! نه؟! باز می توانید عدد دیگری پیدا کنید که از این قانون، پیروی کند!!!؟

ارتباط با ما

خوانندگان محترمی که علاقمند به همکاری با فصلنامه هستید می‌توانند با تخصص خود و ارسال مطالب قابل استفاده، راهنمای خوانندگان دیگر باشند. در صورت تمایل با ایمیل سر دبیر ارتباط برقرار فرمایند.

لطفاً در ارسال مقاله برای چاپ در این مجله به نکات زیر توجه فرمائید. کلیه صفحات مقاله باید دارای شماره بوده و تعداد صفحات از ۳ صفحه تجاوز نکند.

متن مقاله بایستی به صورت Word به پست الکترونیکی jame.pbu@masjedjame.com ارسال شود.

- مقاله با نسخه ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ نرم افزار Microsoft office Word
- حداکثر ۳ صفحه اندازه کاغذ A4
- قلم B Nazanin سایز ۱۲ برای کلمات فارسی و Times New Roman سایز ۱۲ برای کلمات انگلیسی و فاصله خطوط ۱ تایپ و تنظیم شود.
- مشخصات نویسنده یا نویسندگان که شامل نام و نام خانوادگی، رشته تحصیلی، شماره تلفن ترجیحاً "تلفن همراه و پست الکترونیکی"